

کپی راجع به مجموعه «ماجرای بیست»

تا حالا به این فکر کردین که یه دانش آموز توی ۲۴ ساعت شبانه روز چی کار می‌کنه؟

➤ هفت هشت ساعت می‌خوابه و استراحت می‌کنه.

➤ حداقل هفت ساعت تو مدرسه‌ست که شیش ساعتش رو سر کلاسه و (احتمالاً) داره درس گوش می‌ده.

➤ حدود یک ساعت تو راه خونه به مدرسه و مدرسه به خونه‌ست.

➤ سه چهار ساعتی هم توی خونه با کتابا و درساش مشغوله و گشتی می‌گیره.

➤ چهار پنج ساعت از وقتش هم می‌ره برای غذاخوردن، حضور در آغوش گرم خانواده و کارای شخصی مهم و

بازی‌گوشی (که شامل گوش‌بازی هم می‌شه!).

خُب! با این حساب و کتابا معلوم می‌شه یه دانش آموز، ۷۵/۶۲۵ درصد از زمان بیداریش رو با درس و مشق و کتاب

و مدرسه و معلّم می‌گذرونه با کلی اتفاقات تلخ و شیرین؛ پس بی‌راه نیست که بگیم:

«ماجرای بیست» ماجرای اصلی زندگی یه دانش آموزه.

ما توی خیلی سبز، این مجموعه رو آماده کردیم چون واقع دلمون می‌خواد داستان مدرسه‌رفتن و درس‌خوندن شما

و این عمری که به پاش گذاشتین، پایان خیلی خوش و شکوهمندی داشته باشه!

اگه ماجراهای جالب خودتون با درساتون رو به صورت مطلب، عکس، سلفی، خاطره، فیلم و فیلم‌نامه و ... برامون

بفرستین، خیلی رو سرمون ممت گذاشتین. ما حتمن ماجراهاتون رو به جایی (مثلاً تو سایت خیلی سبز یا شاید هم

چاپ بعدی کتاب) منتشر می‌کنیم.

ماجرای بیست عربی ۱ انسانی

سکوت را می‌پذیرم

اگر بدانم روزی با تو سخن خواهیم گفت

تیره‌بختی را می‌پذیرم

اگر بدانم روزی چشم‌های تو را خواهیم سرود

مرگ را می‌پذیرم

اگر بدانم روزی تو خواهی فهمید که دوستت دارم.^۱

این که کتاب آسمانی ما به زبان عربیه و ما به عنوان مسلمان حداقل باید عربی رو در حد فهم قرآن بلد باشیم، اظهار

من الشمسّه.

اما یک چیز باحال دیگه‌ای هم هست که فقط نصیب کسانی می‌شه که به زبان عربی مسلط‌ترین و اون لذت‌بردن از

ادبیات غنی و پر از احساس عربیه، حتّی خیلی از ابیات شاعران خودمون (مثل حافظ، سعدی و ...) هم به زبان عربیه.

با این مقدمه می‌خوام سؤال مهمتی رو مطرح کنم. به نظرتون آیا مردمی که چنین ادبیات اصیل و ناب دارن می‌تونن

بدجنس و ظالم و ... باشن؟ و آیا فکر نمی‌کنید این حسی که بعضی از ما نسبت به اعراب^۲ و به دنبال اون نسبت به

زبان عربی داریم بیشتر یک سوءتفاهمه؟ جا داره بیشتر فکر کنیم - تا بعد!

از ته قلبم ممنونم از همه کسانی که برای این کتاب زحمت کشیدن از جمله: خانم‌ها زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری

و انسیه سادات میرجعفری در واحد تألیف و همکاران خوبمان در واحد تولید.

۱- ترجمه شعری از شاعر و عارف عرب‌زبان، جبران خلیل جبران

۲- منظور من از اعراب، مردم عرب‌زبان، نه دولت‌های عرب که اصلن راجع به دولت‌ها بحث و نظری ندارم.

همهٔ بچه‌هایی که با عشق، علاقه و انگیزه رشتهٔ علوم انسانی را برگزیده‌اند.

کسانی که به خوبی می‌دانند مدیریت جامعه، روح و روان، دین، ادبیات، حقوق، تاریخ، اقتصاد، سیاست، صلح، جنگ، فرهنگ و آیندهٔ بشریت و هر آنچه که به خوشبختی و بدبختی انسان، جامعه و جهان بستگی دارد، با این دانش رقم می‌خورد.

همهٔ معلمان فرهیخته و دلسوز این سرزمین که با عشق و علاقهٔ فراوان، در راه «تعلیم و تربیت» آینده‌سازان این مرز و بوم، صادقانه و خالصانه تلاش می‌کنند.

علی جعفری ندوشن

سید محمدعلی جنانی

«به نام آن که جان را فکرت آموخت»

یادگیری هر زبانی در وهلهٔ اول به علاقه و اشتیاق زبان‌آموز بستگی دارد؛ یعنی تا کسی نسبت به یک زبان علاقه‌ای از خود نشان ندهد، معمولاً در یادگیری درست و دقیق آن زبان توفیق چندانی به دست نمی‌آورد. زبان عربی نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای یادگیریِ اساسی آن در وهلهٔ اول باید دانش‌آموز به این درس علاقه نشان دهد. تجربهٔ سالیان گذشته نشان داده است که دانش‌آموزان به دلایل مختلفی به این درس چندان علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دهند و عادت کرده‌اند که بدون فهم و یادگیری دقیق، به حفظ واژگان و جملات کتاب درسی و ترجمهٔ آن‌ها و نیز حل تمرین کتاب درسی بسنده کنند و خود را برای امتحان آماده کنند، ولی با توجه به حذف کنکور عمومی و تغییر رویکرد طراحی سؤالات امتحان نهایی و مفهومی شدن آن، این روش دیگر پاسخگوی نیاز دانش‌آموزان نیست و این عزیزان باید روش مطالعهٔ خود را تغییر دهند تا بتوانند در این درس نمرات بالایی کسب کنند. بر این اساس، ما تصمیم گرفتیم که در ویرایش جدید کتاب عربی دهم انسانی ماجرایی بیست، به گونه‌ای کتاب را تغییر دهیم که هم شما را به خواندن این درس علاقه‌مند کند و هم شما را با سبک و سیاق سؤالات جدید آشنا نماید، به گونه‌ای که با خواندن دقیق این کتاب و تکرار و تمرین روی مباحث مختلف آن به اهداف زیر دست یابید:

- ۱ یادآوری مطالبی که در دورهٔ متوسطهٔ اول خوانده‌اید و به دانستن آن‌ها در ترجمهٔ عبارات و حل تمرین و سؤالات نیاز دارید.
- ۲ یادگیری واژگان و اصطلاحات جدید و نیز یادگیری ترجمهٔ جملات و عبارات کتاب درسی و جملات و عباراتی مشابه آن‌ها.
- ۳ کسب مهارت در نحوهٔ استفاده از فرمول‌های ترجمه و نیز به کارگیری قواعد در حل پرسش‌ها
- ۴ تسلط کامل و دقیق بر روی مثال‌ها، پرسش‌ها و تمرین‌های کتاب درسی و توانایی مطلوب در پاسخگویی به پرسش‌های مختلف
- ۵ آشنایی با سؤالات استاندارد در آزمون‌های پایان ترم اول و دوم

کتاب عربی دهم انسانی ماجرایی بیست شامل بخش‌هایی است که هر کدام را به طور خلاصه برایتان توضیح می‌دهیم:

بخش ۱: درس‌نامه

در این بخش، قواعد مربوط به هر درس را به طور کامل و با بیانی ساده و قابل فهم به همراه نکات لازم برایتان بیان کرده‌ایم. برای جالفتادن و فهم کامل هر بخش از درس‌نامهٔ هر درس، سؤالاتی را تحت عنوان «حالا تو بگو» به همراه ترجمهٔ عبارات و پاسخ کاملاً تشریحی آورده‌ایم؛ و در ادامه، سؤالاتی را که در کتاب درسی، تحت عنوان «اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: خودت را بیازما» آورده شده است، با توضیحات کامل شرح داده‌ایم که لازم است ابتدا شما خودتان آن‌ها را حل کنید و سپس در صورت لزوم به پاسخ تشریحی آن مراجعه نمایید و اشکالات خود را برطرف کنید.

بخش ۲: واژگان

در این بخش، واژگان متن هر درس را به تفکیک «فعل»، «اسم» و گاهی «حرف» آورده‌ایم. ضمناً برای دسترسی آسان به واژگان جدید درس‌نامه و تمرین هر درس که معمولاً در پاورقی کتاب درسی آمده است، آن‌ها را پس از واژگان متن هر درس و به همان ترتیب، یعنی به تفکیک «فعل»، «اسم» و گاهی «حرف» آورده‌ایم. علاوه بر آن، پس از واژگان متن و ... به مترادفات، متضادات و جمع‌های مگسر در هر درس اشاره کرده‌ایم.

بخش ۳: متن درس و ترجمهٔ آن

در این بخش، ترجمهٔ تحت‌اللفظی یکایک واژگان متن درس و نیز ترجمهٔ روان جملات و عبارات آن آورده شده است. در ستون عمودی سمت چپ هر صفحه از متن درس، نکات مهم «قواعد» و «ترجمه» برخی کلمات مهم بیان شده است که خواندن آن‌ها در یادگیری مفهومی و دقیق مطالب بسیار تأثیرگذار است. دقت کنید که واژگان رنگی در متن هر درس، همان واژگان جدیدی است که باید با دقت بیشتری به آن‌ها توجه کنید و آن‌ها را فراگیرید.

بخش ۴: تمارین درس

در بخش «تمرین: تمرین‌ها»، همه تمارین کتاب درسی به طور کامل و دقیق بررسی و حل شده و همه جملات و عبارات آن به فارسی ترجمه شده است. برای استفاده بهتر و مطلوب‌تر از این بخش از کتاب ماجرایی بیست عربی، سعی کنید ابتدا خودتان هر تمرینی را با دلایل منطقی و با استفاده از قواعدی که خوانده‌اید، حل کنید و سپس برای اطمینان از پاسخ خود، به پاسخ تشریحی آن مراجعه کنید.

بخش ۵: سؤال‌های امتحانی

این بخش از هر درس که در حقیقت آخرین بخش آن می‌باشد، شامل سه بخش کلی به شرح زیر است:

۱. سؤال‌های ترجمه‌محور: این بخش، خود، شامل چند نوع سؤال است که می‌توان به «ترجمه واژگان مشخص شده در جملات»، «یافتن کلمات مترادف و متضاد»، «یافتن واژه ناهماهنگ از میان چند واژه»، «نوشتن مفرد یا جمع یک کلمه»، «انتخاب واژه مناسب برای توضیحات داده شده در یک یا دو جمله»، «ترجمه آیات، احادیث و عبارات کتاب» - که گاهی «عبارت‌ها» عیناً مانند کتاب درسی است و گاهی مانند کتاب درسی نیست و توسط طراح سؤال تغییر می‌کنند - مشخص کردن ترجمه درست، و نیز «تکمیل جاهای خالی در ترجمه عبارت‌ها» اشاره کرد.

۲. سؤال‌های قاعده‌محور: این بخش همان‌گونه که از نامش پیداست، شامل سؤال‌هایی است که شما قواعدش را خوانده‌اید. سؤالاتی مانند «ترجمه فعل‌های مشخص شده در جملات»، «مشخص کردن نوع فعل‌ها» - که منظور از نوع فعل، زمان فعل است، مانند ماضی، مضارع، امر، نهی و یا مستقبل - «مشخص کردن صیغه فعل‌ها»، «مشخص کردن نقش‌هایی مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف‌الیه و صفت»

۳. سؤال‌های فهم و درک مطلب

این بخش نیز شامل سؤالاتی است که میزان فهم و درک دانش آموز را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد و شامل سؤالاتی از این قبیل است: «قراردادن واژه مناسب در جای خالی از میان واژگانی که داده می‌شود که معمولاً دو یا سه واژه اضافی است»، «مشخص کردن درست و نادرست براساس توضیح واژگان»، «مشخص کردن درستی و نادرستی جملات براساس حقیقت و واقعیت»، «ارائه یک متن از کتاب درسی و یا حتی خارج از آن و طرح معمولاً چهار سؤال که باید براساس متن به آن‌ها پاسخ داده شود» و در کل سؤالاتی از این قبیل ... و در پایان نیز پاسخ تشریحی آن‌ها آورده شده است.

تذکر: در بخش سؤال‌های امتحانی، سؤالاتی که جلوی آن‌ها آیکن  آمده است، سؤالاتی است که سطحشان نسبت به سؤالات دیگر بالاتر و سخت‌تر است و شما را با سؤالات مفهومی به خوبی آشنا می‌کند.

بخش ۶: مشاوره شب امتحان

در این بخش، توضیحاتی کلی همراه با بارم‌بندی هر بخش از سؤالات به شما دوستان عزیز ارائه شده است.

بخش ۷: آزمون‌ها

در این بخش، جمعاً ۶ آزمون برای آشنایی و آمادگی شما در آزمون‌های پایان هر ترم آورده‌ایم که از نظر بارم‌بندی و تیپ سؤالات، مطابق با آخرین تغییرات در آزمون‌های نهایی است. از ۶ آزمون، ۲ آزمون آن مربوط به امتحان پایان ترم اول است و ۴ آزمون دیگر آن مربوط به امتحان نهایی پایان ترم دوم است. گفتنی است که از این ۴ آزمون، ۲ آزمونش تألیفی و کاملاً مفهومی است و ۲ آزمون دیگرش مربوط به امتحانات نهایی خرداد پارسال و امسال می‌باشد.

کتاب ضمیمه

کتاب ضمیمه در حقیقت از سه بخش به شرح زیر تشکیل شده است:

۱ فرهنگ جامع واژگان پایه دهم که به صورت درس‌به‌درس و براساس حروف الفبا چیده شده است تا دسترسی شما عزیزان به واژه مورد نظرتان به راحتی انجام پذیرد.

۲ چکیده قواعد پایه دهم، که در آن قواعد هر درس به صورت خلاصه، ولی کامل به همراه مثال‌های متعدد بررسی شده است تا عزیزی که فرصت کم‌تری برای مطالعه دارند و یا کسانی که می‌خواهند قواعد خوانده شده را مرور کنند، از آن بهره ببرند.

۳ مهم‌ترین نکات مورد نیاز در فن ترجمه که با مطالعه دقیق آن، تسلط بهتر و بیشتری برای ترجمه عبارات به دست می‌آورد.

مشاقانه منتظر نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما هستیم.

پیروز و سرفراز باشید.

سید محمدعلی جنانی

علی جعفری ندوشن

فهرست

الدرس ۱: ذاك هو الله

مرور قواعد کتاب های هفتم تا نهم

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۷
بخش ۲. واژگان ۱۲
بخش ۳. ترجمه درس ۱۴
بخش ۴. تمرین ۱۶
سؤالات امتحانی ۱۹

الدرس ۲: إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ

الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۲۵
بخش ۲. واژگان ۲۸
بخش ۳. ترجمه درس ۳۰
بخش ۴. تمرین ۳۵
سؤالات امتحانی ۳۷

الدرس ۳: مَطَرُ السَّمَكَ

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمُجَرَّدُ وَالْمَزِيدُ (۱)

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۴۲
بخش ۲. واژگان ۴۷
بخش ۳. ترجمه درس ۴۹
بخش ۴. تمرین ۵۳
سؤالات امتحانی ۵۵

الدرس ۴: التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمُزِيدُ (۲)

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۶۰
بخش ۲. واژگان ۶۳
بخش ۳. ترجمه درس ۶۵
بخش ۴. تمرین ۶۹
سؤالات امتحانی ۷۱

الدرس ۵: هَذَا خَلَقَ اللَّهُ

«الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْأِسْمِيَّةُ»

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۷۷
بخش ۲. واژگان ۸۰
بخش ۳. ترجمه درس ۸۲
بخش ۴. تمرین ۸۶
سؤالات امتحانی ۸۸

الدرس ۶: الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْأِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۹۳
بخش ۲. واژگان ۹۸
بخش ۳. ترجمه درس ۱۰۰
بخش ۴. تمرین ۱۰۵
سؤالات امتحانی ۱۰۷

الدرس ۷: صِنَاعَةُ النَّفْطِ

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۱۱۳
بخش ۲. واژگان ۱۱۶
بخش ۳. ترجمه درس ۱۱۸
بخش ۴. تمرین ۱۲۱
سؤالات امتحانی ۱۲۴

الدرس ۸: يَا مَنْ فِي الْبَحْرِ عَجَائِبُهُ

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ الْوَقَايَةِ

- بخش ۱. آموزش قواعد و مفاهیم درس ۱۲۹
بخش ۲. واژگان ۱۳۳
بخش ۳. ترجمه درس ۱۳۶
بخش ۴. تمرین ۱۴۱
سؤالات امتحانی ۱۴۳
پاسخ نامه تشریحی ۱۴۸
مشاوره شب امتحان ۱۷۷

امتحانات

- نمونه امتحان نیم سال اول (امتحان شماره ۱) ۱۸۱
پاسخ امتحان شماره (۱) ۱۸۳
نمونه امتحان نیم سال اول (امتحان شماره ۲) ۱۸۵
پاسخ امتحان شماره (۲) ۱۸۷
نمونه امتحان نیم سال دوم (امتحان شماره ۳) ۱۸۹
پاسخ امتحان شماره (۳) ۱۹۱
نمونه امتحان نیم سال دوم (امتحان شماره ۴) ۱۹۲
پاسخ امتحان شماره (۴) ۱۹۴
نمونه امتحان نیم سال دوم (امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲) ۱۹۵
پاسخ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ ۱۹۷
نمونه امتحان نیم سال دوم (امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳) ۱۹۸
پاسخ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ ۲۰۰

بخش ١. آموزش قواعد و مفاهیم درس

إِغْلَمُوا: بدانید

آن چه که به عنوان قواعد در این درس می‌آید، در واقع دوره و مروری است بر مطالبی که در کتاب‌های پایه‌های هفتم، هشتم و نهم خوانده‌اید. دانستن این مطالب به عنوان پیش‌نیاز، برای همه شما ضروری است؛ زیرا قواعد زبان عربی، مانند واگن‌های یک قطار به هم پیوسته است.

اسم، ویژگی‌های آن، و انواع آن

جنسیت اسم در زبان عربی اسم‌ها یا مذکرند یا مؤنث، و علامت مؤنث‌بودن اسم، معمولاً داشتن علامت «ة / ة» در آخر آن است.

اسم‌های مذکر: طَالِب، قَلَم، مُنْتَقِد، مُعَلِّم، مُحَمَّد، غَنِي

اسم‌های مؤنث: طَالِبَة، مُنْتَقِدَة، سَائِقَة، أَمَانَة، أُمّ، مَرِيَم

نکته: دقت کنید که همواره نمی‌توان با افزودن «ة / ة» به آخر یک اسم مذکر، اسم مؤنث به دست آورد، زیرا ممکن است چنین اسمی یا در زبان عربی کاربرد نداشته باشد و یا به همان معنا به کار نرود.

مثال: ١) جَبَل (کوه) + ة = جَبَلَة (بدون کاربرد)

٢) قَلَم (قلم) + ة = قَلَمَة (بدون کاربرد)

٣) بَحْر (دریا) + ة = بَحْرَة (بدون کاربرد)

نکته: برخی اسم‌های «مؤنث»، با آن که علامت «ة / ة» ندارند، ولی در «معنا» مؤنث به شمار می‌روند.

مثال: أُمّ (مادر)، بِنْت (دختر)، أُخْت (خواهر)، مَرِيَم، زَيْنَب و ...

تعداد اسم اسم از نظر تعداد به ٣ نوع تقسیم می‌شود: ١) مفرد، ٢) مثنی، ٣) جمع (جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکسر)

اسم			
مفرد	مثنی	جمع	
(مذکر یا مؤنث)	(مذکر یا مؤنث)	مذکر سالم	مؤنث سالم
علامتی ندارد. کتاب، شَجَرَة	اسم + ان، سِنِين کِتَابَان / شَجَرَتَان کِتَابَيْن / شَجَرَتَيْن	اسم + ون، يَن مُؤَلَّفُون مُؤَلِّفَيْن	اسم + ات مُؤَلِّفَات
		مکسر	علامت و قاعده‌ای ندارد. کُتُب

اسم اشاره برای اشاره کردن به انسان یا اشیای دور و نزدیک، از اسم اشاره استفاده می‌شود.

جنسیت	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	هَذَا (این)	هَذَانِ - هَذَيْنِ (این دو، این‌ها)	هَؤُلَاءِ (این‌ها)
مؤنث	هَذِهِ (این)	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ (این دو، این‌ها)	هَؤُلَاءِ (این‌ها)
مذکر	ذَلِكَ (آن)	—	أُولَئِكَ (آن‌ها)
مؤنث	تِلْكَ (آن)	—	أُولَئِكَ (آن‌ها)

اسم اشاره

١. اشاره به نزدیک

٢. اشاره به دور

نکته ترجمه: هرگاه کلمه پس از اسم اشاره «ال» نداشته باشد، اسم اشاره طبق معمول و به صورت عادی ترجمه می‌شود؛ یعنی اگر مفرد است به صورت به مفرد، اگر مثنی است، به صورت مثنی، و اگر جمع است، به صورت جمع ترجمه می‌شود. خوب است بدانیم که اسم‌های مثنی را می‌توان به صورت جمع نیز ترجمه کرد.

مثال: هَذَانِ کِتَابَانِ: این دو (این‌ها) کتاب هستند. / هَؤُلَاءِ طَلَّابٌ: این‌ها دانش‌آموز هستند.

اما اگر کلمه پس از اسم اشاره «ال» داشته باشد، اسم اشاره (چه مفرد، چه مثنی و چه جمع) همواره به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

مثال: هَؤُلَاءِ الطَّلَّابُ ... : این دانش‌آموزان ...

صَغَ فِي الْفَرَاغِ اسْمَ الْإِشَارَةِ الْمُنَاسِبِ. (در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار بده).

۱- الطَّالِبَانِ يَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. (هَذَانِ - هَاتَانِ - هُوَلاءِ: این دو دانش‌آموز به مدرسه می‌روند.

پ هَذَانِ [«الطَّالِبَانِ» مثنای مذکر است؛ بنابراین باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که مثنای مذکر باشد و این یعنی «هَذَانِ».]

۲- نِسَاءٌ يَعْمَلْنَ بِحَدِّ. (هَذِهِ - تِلْكَ - أُولَئِكَ: آن‌ها زنانی هستند که با جدیت کار می‌کنند.

پ أُولَئِكَ [«نِسَاءٌ» جمع «إمْرَأَة» است و به عبارت دیگر «جمع مؤنث» است؛ پس باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که به جمع اشاره دارد، یعنی «أُولَئِكَ».]

۳- يَشْتَرِي الرَّجَالُ أَلْبِسَةً جَمِيلَةً لِأَسْرَتِهِمْ. (هَذَا - هَذَانِ - هُوَلاءِ: این مردان برای خانواده خود لباس‌های زیبایی می‌خرند.

پ هُوَلاءِ [«الرَّجَالُ» جمع مکسر «الرَّجُل» است؛ بنابراین باید از اسم اشاره‌ای استفاده کنیم که به جمع (جمع مذکر) اشاره کند. در میان اسم‌های اشاره داخل پرانتز، فقط «هُوَلاءِ» برای اشاره به جمع (چه مذکر و چه مؤنث) استفاده می‌شود.]

۴- أَشْجَارٌ كَبِيرَةٌ تَنْمُو فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. (هُوَلاءِ - هَذِهِ - هَذَا: این‌ها درختان بزرگی هستند که در جنگل‌های استوایی رشد می‌کنند.

پ هَذِهِ [هرچند «أَشْجَارٌ» جمع مکسر «شَجَر» درخت است، ولی این نکته را همواره باید به یاد داشته باشیم که برای «جمع‌های غیر انسان» معمولاً از اسم اشاره «مفرد مؤنث» (هَذِهِ یا تِلْكَ) استفاده می‌شود نه «هُوَلاءِ» یا «أُولَئِكَ».]

کلمات پرسشی برای سؤال در مورد موجودات و ویژگی‌های آن‌ها، کلمات پرسشی زیر را به کار می‌بریم:

هَلْ (آیا)	أَ (آیا)	مَنْ (چه کسی)	مَا (چه چیزی)	كَيْفَ (چگونه)	أَيَّ (کدام)	كَمْ (چند)	مَاذَا (چه)	لِمَاذَا (برای چه)	أَيْنَ (کجا)	مِنْ أَيْنَ (از کجا؛ (اهل کجا)	مَتَى (کی)	إِلَى مَتَى (تا کی)
------------	----------	---------------	---------------	----------------	--------------	------------	-------------	--------------------	--------------	--------------------------------	------------	---------------------

اقسام ضمیر ضمیر، اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌آید، مثلاً به جای «حسین» می‌گوییم «او»، و به جای «مریم» و «زینب» می‌گوییم «آن‌ها». به کار بردن ضمیر جدا (منفصل) و پیوسته (متصل) و هماهنگی آن‌ها با فعل، از موارد مهم در دستور زبان است.

ضمیرهای منفصل عبارت‌اند از:

به شیوه زبان فارسی:

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ)	ایشان (أَنْهَآ، أُنْهَآ)

به شیوه زبان عربی:

مذکر		مؤنث		أَنَا (من)	نَحْنُ (ما)
هُوَ (او)	هُمَا (آن دو، آن‌ها)	هُم (آن‌ها)	هِيَ (او)		
أَنْتَ (تو)	أَنْتُمْ (شما دو نفر، شما)	أَنْتُمْ (شما)	أَنْتِ (تو)	أَنْتُنَّ (شما دو نفر، شما)	أَنْتُنَّ (شما)

ضمیرهای متصل به شیوه زبان عربی:

مذکر		مؤنث		ي	نا
هـ، هـ	هُمَا	هُم	ها		
كُ	كُما	كُم	كُ	كُنَّ	كُنَّ

عدد و معدود

در کارهای روزمره و برای حساب و کتاب، شمارش موجودات و نشان دادن زمان و ساعت، از اعداد اصلی و ترتیبی بهره می‌بریم. البته امسال (پایه دهم) در درس دوم به صورت کامل‌تر، با اعداد و انواع آن آشنا می‌شویم.

الف. اعداد اصلی

واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَة	أَرْبَعَة	خَمْسَة	سَبْعَة	ثَمَانِيَة	تِسْعَة	عَشْرَة	أَحَدَ عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
واحدة	إِثْنَانِ	ثَلَاث	أَرْبَع	خَمْس	سَبْع	ثَمَانِي	تِسْع	عَشْر	إِحْدَى عَشْرَة	إِثْنَا عَشْرَة
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

برای شمارش کلماتی که «مذکر» است

برای شمارش کلماتی که «مؤنث» است

برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مذکر» است	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الرابع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مؤنث» است	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة
یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

روزهای هفته و فصل‌ها

دانستن این که اکنون در کدام روز هفته و در کدام فصل هستیم، اهمیت دارد.
روزهای هفته: **الْأَحَدُ** (یکشنبه)، **الْإِثْنَيْنِ** (دوشنبه)، **الْثَلَاثاء** (سه‌شنبه)، **الْأَرْبَعاء** (چهارشنبه)، **الْخَمِيس** (پنج‌شنبه)، **الْجُمُعَة** (جمعه)
فصل‌های سال: **الربيع** (بهار)، **الصيف** (تابستان)، **الخريف** (پاییز)، **الشتاء** (زمستان)

رنگ‌ها

زیبایی طبیعت و شگفتی آفرینش در دیدن رنگ‌هاست. در زبان عربی برخی از رنگ‌ها عبارت‌اند از:
أبيض (سفید)، **أسود** (سیاه، مشکی)، **أحمر** (قرمز، سرخ)، **أصفر** (زرد)، **أخضر** (سبز)، **أزرق** (آبی)، **بنفسجی** (بنفش)

وزن کلمات

در زبان عربی کلمه‌ها «وزن» دارند و ترازوی سنجش و استانداردسازی آن‌ها با سه حرف «ف، ع، ل» است، یعنی حروفی که روبه‌روی این سه حرف قرار می‌گیرند، اصلی، و حروفی که روبه‌روی این‌ها قرار نمی‌گیرند، فرعی و زائد هستند. به این کلمات و وزن آن‌ها توجه کنید:

کلمه	شاعر	مکتوبه	فصیح	عَلَام	أَمَارَة	نَظَر	يَكْتُبُ	إِسْتَخْرَجَ
وزن	فَاعِل	مَفْعُولَة	فَعِيل	فَعَال	فَعَالَة	فَعَلَ	يَفْعُلُ	إِسْتَفْعِلَ

نام حیوانات

نام حیوانات که برخی از آن‌ها را آموخته‌اید، مرور می‌کنیم:
أَسَد (شیر)، **كَلْب** (سگ)، **بَقَرَة** (گاو)، **فَرَس** (اسب)، **ذئب** (گرگ)، **عَظَم** (گوسفند)، **خَمَام** / **خَمَامَة** (کبوتر)، **عُصْفُور** / **عُصْفُورَة** (گنجشک)، **تَغَلَب** (روبه)، **عَزَال** / **عَزَالَة** (آهو)، **سَمَك** / **سَمَكَة** (ماهی)، **فَرَخ** (جوجه)، **زَرَّافَة**، **فیل**، **عُرَاب** (کلاغ)، **نَعَجَة** (میش)، **فَرَّاشَة** (پروانه)، **فَأْر** / **فَأْرَة** (موش)، **قِطْ** / **قِطَة** (گربه)، **قِرْد** / **قِرْدَة** (میمون)، **نَمَل** / **نَمَلَة** (مورچه)، **نَحْل** / **نَحْلَة** (زنبور)، **جَمَار** (الاغ)، **دَجَاج** / **دَجَاجَة** (مرغ)، **دِک** (خروس)، **جَمَل** (شتر)، **نَعَامَة** (شترمرغ)، **نَیمر** (پلنگ)، **بُوم** / **بُومَة** (جغد)

بیان ساعت

در زبان عربی هرگاه بخواهیم ساعتی را بیان کنیم از اعداد ترتیبی (بر وزن «**الفاعلة**») استفاده می‌کنیم. ضمناً برای بیان «نیم» از واژه «**النصف**» و برای بیان «ربع» از واژه «**الرُّبْع**» و برای بیان «یک ربع مانده به ...» از فرمول «عدد ترتیبی (بر وزن «**الفاعلة**») + **إِلَّا** + **رُبْعاً**» استفاده می‌کنیم.

مثال: ساعت هفت تمام: **السَّاعَة السَّابِعَة تَمَاماً** / شش و ربع: **السَّادِسَة وَ الرَّبْع** / هشت و نیم: **الثَّامِنَة وَ النِّصْف** / یک ربع مانده به سه: **الثَّالِثَة إِلَّا رُبْعاً**.

ترکیب اضافی و ترکیب وصفی

برای این که برای اسمی ویژگی‌ها و اطلاعات بیشتری داشته باشیم، برای آن صفت و مضاف‌الیه آورده و به اصطلاح «ترکیب وصفی» و «ترکیب اضافی» می‌سازیم. تشخیص تفاوت این دو ترکیب، هم از راه معنا امکان دارد، و هم از راه حرکت و ساختار کلمه. مثلاً مضاف‌الیه معمولاً در حرف آخرش حرکت کسره می‌گیرد، ولی صفت همانند موصوفش ممکن است علاوه بر کسره ی، ضمه یا فتحه نیز بگیرد. در ترکیب وصفی، هر دو اسم معمولاً از نظر مذکر و مؤنث و حرکت حرف آخر کلمه یکسان هستند، در صورتی که در ترکیب اضافی، این گونه نیست. به این ترکیب‌ها توجه کنید:

کتابُ اللَّهِ: کتاب خدا (مضاف و مضاف‌الیه) // **کِتَابُكَ:** کتاب تو (مضاف و مضاف‌الیه) // **کِتَابٌ جَمِيلٌ:** کتابی زیبا (موصوف و صفت) // **الْكِتَابُ الرَّخِیضُ:** کتاب ارزان (موصوف و صفت) // **أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ:** روزهای هفته (مضاف و مضاف‌الیه) // **الدَّرْسُ الْخَامِسُ:** درس پنجم (موصوف و صفت) // **لَوْنُ الْبَحْرِ:** رنگ دریا (مضاف و مضاف‌الیه) // **حِكْمَةٌ بِاللُّغَةِ:** حکمتی کامل (موصوف و صفت) // **السَّاعَة الثَّامِنَة:** ساعت هشتم (موصوف و صفت) // **مَدْرَسَتُنَا:** مدرسه ما (مضاف و مضاف‌الیه)

توجه: در ترکیب اضافی، به اسم اول «**مضاف**» و به اسم دوم «**مضاف‌الیه**» گفته می‌شود. مضاف معمولاً یک «اسم» است، ولی مضاف‌الیه می‌تواند «اسم» یا «ضمیر» باشد. (مانند مثال‌های فوق)

در ترکیب وصفی، به اسم اول «**موصوف**» و به اسم دوم «**صفت**» گفته می‌شود. در این ترکیب - برخلاف ترکیب اضافی - صفت هیچ‌گاه نمی‌تواند «ضمیر» باشد! پس ترکیب‌هایی که در آن یک اسم به همراه یک ضمیر به کار رفته باشد، ترکیب اضافی است نه وصفی! (مانند مثال‌های فوق)

گاهی اوقات یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی با هم ادغام می‌شوند و تشکیل یک ترکیب جدید به نام «**ترکیب اضافی - وصفی**» می‌دهند. در این ترکیب، مضاف‌الیه میان موصوف و صفت قرار می‌گیرد. ضمناً اسم اول هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد و اسم سوم (صفت) معمولاً به همراه «ال» به کار می‌رود.

فرمول ترکیب «اضافی - وصفی»: موصوف / مضاف + مضاف‌الیه + صفت

مثال: مَعْلَمُنَا الْحَنُونَ: معلمِ مهربانِ ما / أَعْمَالُكَ الصَّالِحَةُ: کارهای شایسته‌ات، کارهای شایسته‌ت تو / أَشْجَارُ الْحَدِيقَةِ الْجَمِيلَةِ: درختان زیبای باغ

ترجمه ترکیب «اضافی - وصفی»: در ترجمه این ترکیب‌ها ابتدا اسم اول و سوم، و سپس اسم دوم را ترجمه می‌کنیم.

مثال: كُتِبَها المَفِيدَةُ: کتاب‌های سودمندش، کتاب‌های سودمند او
 اسم اول اسم دوم اسم سوم

روش سؤال و جواب

یکی از موضوعات مهم در گفت‌وگو میان دو نفر یا دو گروه این است که شیوه سؤال و جواب را به خوبی بدانند؛ در جدول زیر، چند شیوه سؤال و جواب را ذکر می‌کنیم.

در زبان فارسی		در زبان عربی	
پرسش	پاسخ	السؤال	الجواب
آیا؟	بله، ... / خیر، ...	هَلْ / أ؟	نَعَمْ، ... / لا، ...
چرا؟	به این دلیل که ...، چون، زیرا	لِمَاذَا؟	لِأَنَّ ...
چه وقت؟	امروز، دیروز، ساعت یک ربع به سه، ...	مَتَى؟	الْيَوْمَ، يَوْمَ أُمْسٍ، السَّاعَةُ الثَّالِثَةُ إِلَّا زُبْعًا، ...
کجا؟	در مدرسه، توی خیابان، مقابل، ...	أَيْنَ؟	فِي الْمَدْرَسَةِ، فِي الشَّارِعِ، أَمَامَ، ...
چگونه؟	با ماشین، پیاده، ...	كَيْفَ؟	بِالسَّيَّارَةِ، مَاشِيًا، ...
چه کسی؟	دوستم، رضا، ...	مَنْ؟	صَدِيقِي، رِضَا، ...
چه چیزی؟	کتاب، آسمان، آب، ...	مَا؟	الْكِتَابَ، السَّمَاءَ، الْمَاءَ، ...
آیا رفتی؟	بله، رفتم. / نه، نرفتم.	أَذْهَبْتُ؟	نَعَمْ، ذَهَبْتُ. / لا، مَا ذَهَبْتُ.
آیا گفتم؟	بله، گفتم. / نه، نگفتم.	أَقُلْتُ؟	نَعَمْ، قُلْتُ. / لا، مَا قُلْتُ.
آیا نوشتی؟	بله، نوشتم. / نه، ننوشتم.	أَكْتُبْتُ؟	نَعَمْ، كُتِبْتُ. / لا، مَا كُتِبْتُ.

فعل و انواع آن

۱ در تمام زبان‌ها، مهم‌ترین رکن جمله، فعل است و به جمله معنا و مفهوم می‌دهد و هدف از به کارگیری کلمات دیگر را روشن می‌کند.

فعل از دو نظر بررسی می‌شود؛ یکی از نظر **نوع** (زمان انجام آن)، و دیگر از نظر **صیغه** (ساخت) و یا ضمائر آن:

الف زمان و نوع فعل معمولاً با توجه به پیشوندهای آن (سَد، سَوَفَ، لا، ما، ...) شناخته می‌شود که عبارت‌اند از:

ماضی مثبت	ماضی منفی	معادل ماضی استمراری	مضارع	مضارع منفی	مستقبل	امر	نهی
بر وزن (فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ)	ما + ماضی	كَانَ + مضارع	مضارع	لا + مضارع	سَد / سَوَفَ + مضارع	«أ» یا «إ» + مضارع مجزوم (مضارعی که آخرش ساکن است یا نون ندارد، مگر نون جمع مؤنث)	لا + مضارع مجزوم
كَتَبَ (نوشت)	مَا كَتَبَ (ننوشتم)	كَانَ يَكْتُبُ (می‌نوشت)	يَكْتُبُ (می‌نویسد)	لَا يَكْتُبُ (نمی‌نویسد)	سَيَكْتُبُ سَوَفَ يَكْتُبُ (خواهد نوشت)	اُكْتُبْ (بنویس)	لَا تَكْتُبْ (ننویس)

ب صیغه‌های چهارده‌گانه فعل با توجه به پسوندهای آن‌ها (ضمایر فاعلی و شناسه‌ها) شناخته می‌شود. ما می‌توانیم فعل‌ها را دو گونه صرف کنیم:

یکی صرف **سنتی** فعل براساس دستور زبان عربی و دیگر صرف فعل براساس دستور زبان فارسی.

صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «کتابَة: نوشتن» به روش زبان عربی این گونه است:

ضمیر منفصل و «فعل ماضی» در ۱۴ شکل و صیغه:

غایب	هُوَ كَتَبَ (۱)	هُمَا كَتَبَا (۲)	هُمْ كَتَبُوا (۳)	هِيَ كَتَبَتْ (۴)	هُمَا كَتَبَتَا (۵)	هُنَّ كَتَبْنَ (۶)
مفرد مذکر غایب	مثنای مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مؤنث غایب	مثنای مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	
مخاطب	أَنْتَ كَتَبْتَ (۷)	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۸)	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ (۹)	أَنْتِ كَتَبْتِ (۱۰)	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۱۱)	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ (۱۲)
مفرد مذکر مخاطب	مثنای مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب	مفرد مؤنث مخاطب	مثنای مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب	
متکلم	أَنَا كَتَبْتُ (۱۳)	نَحْنُ كَتَبْنَا (۱۴)				
متکلمم وحده	متکلمم مع الغیر					

ضمیر منفصل و «فعل مضارع» در ۱۴ شکل و صیغه:

غایب	هُوَ يَكْتُبُ (۱)	هُمَا يَكْتُبَانِ (۲)	هُمْ يَكْتُبُونَ (۳)	هِيَ تَكْتُبُ (۴)	هُمَا تَكْتُبَانِ (۵)	هُنَّ يَكْتُبْنَ (۶)
مفرد مذکر غایب	مثنای مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مؤنث غایب	مثنای مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	
مخاطب	أَنْتَ تَكْتُبُ (۷)	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۸)	أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ (۹)	أَنْتِ تَكْتُبِينَ (۱۰)	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۱۱)	أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ (۱۲)
مفرد مذکر مخاطب	مثنای مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب	مفرد مؤنث مخاطب	مثنای مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب	
متکلم	أَنَا أَكْتُبُ (۱۳)	نَحْنُ نَكْتُبُ (۱۴)				
متکلمم وحده	متکلمم مع الغیر					

صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «کتابَة: نوشتن» به روش زبان فارسی این گونه است:

فعل ماضی

کَتَبْتُ (نوشتم)	کَتَبْتَ، کَتَبْتِ (نوشتی)	کَتَبَ، کَتَبْتَ (نوشت)
اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
کَتَبْنَا (نوشتیم)	کَتَبْتُمَا، کَتَبْتُمْ، کَتَبْتُنَّ (نوشتید)	کَتَبُوا، کَتَبْتَا، کَتَبْنَ (نوشتند)
اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع

فعل مضارع

أَكْتُبُ (می نویسم)	تَكْتُبُ، تَكْتُبِينَ (می نویسی)	يَكْتُبُ، تَكْتُبُ (می نویسد)
اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
نَكْتُبُ (می نویسیم)	تَكْتُبَانِ، تَكْتُبُونَ، تَكْتُبْنَ (می نویسید)	يَكْتُبَانِ، تَكْتُبَانِ، يَكْتُبُونَ، يَكْتُبْنَ (می نویسند)
اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع

حالا تو بگو

صَغُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً. (در جای خالی یک فعل مناسب قرار بده.)

۱- أَيْتَهَا الطَّالِبَةُ، أ..... وَاجِبَاتِكِ؟ (کَتَبْتُ - کَتَبْتِ - کَتَبَتْ) ای دانش آموز! آیا تکالیفت را نوشته ای؟

ب کَتَبْتُ اِبا توجه به «أَيْتَهَا الطَّالِبَةُ» که اسلوبِ نِدَاسْت و برای صداکردن «مخاطب» که در این جا «مفرد مؤنث مخاطب» است، به کار می رود و نیز با توجه به ضمیر متصل «لِک» در «وَاجِبَاتِكِ» که این ضمیر نیز مربوط به صیغه «مفرد مؤنث مخاطب» است، متوجه می شویم که باید از فعلی استفاده کنیم که مربوط به صیغه «مفرد مؤنث مخاطب» باشد، یعنی «کَتَبْتِ».

۲- أَنْتُمْ وَ نَحْنُ لَا نَكْذِبُ أَيْضاً. (يَصْذَقَانِ - تَصْذَقُونَ - يَصْذَقُونَ): شما راست می‌گویید و ما نیز دروغ نمی‌گوییم.

پ تَصْذَقُونَ ابا توجه به ضمیر مُنْفَصِل «أَنْتُمْ» که مربوط به «جمع مذکر مخاطب» است، با توجه به فعل‌های داخل پرانتز، باید از فعل مضارعی استفاده کنیم که اولاً «جمع مذکر» باشد؛ یعنی آخرش «وَنَ» داشته باشد، ثانیاً مربوط به «مخاطب» باشد؛ یعنی حتماً با حرف مضارعه «ت» شروع شده باشد و این یعنی «تَصْذَقُونَ».

۳- یا طالبات، لِلْإِمْتِحَانِ جَيِّدًا. (أَذْرُسُوا - أَدْرُسُ - أَدْرُسُنَ): ای دانش‌آموزان! برای امتحانات، خوب درس بخوانید.

پ أَدْرُسُنَ ابا توجه به «طالبات» که «جمع مؤنث» است و نیز با توجه به فعل‌های داخل پرانتز که همگی فعل امر (مخاطب) هستند، باید فعل امری را انتخاب کنیم که آخرش «نَ» داشته باشد، زیرا در فعل‌های امر و یا نهی «جمع مؤنث مخاطب»، هیچ‌گاه «نَ» از آخر این صیغه حذف نمی‌شود.

۴- بِنْتِي الْغَزِيْرَةُ رَجَاءٌ شَيْئاً عَلَى جِدَارِ الصَّفِّ. (لَا تَكْتُبُ - لَا تَكْتُبِي - لَا تَكْتُبِينَ): ای دختر عزیزم! لطفاً روی دیوار کلاس چیزی ننویس.

پ لَا تَكْتُبِي ابا توجه به «یا بِنْتِي الْغَزِيْرَةُ» که مربوط به اسلوب نداشت و به عبارت دیگر، گوینده کسی را صدا می‌زند و نیز با توجه به این که مخاطب، «مفرد مؤنث» است و از او خواسته شده که کاری را انجام ندهد، متوجه می‌شویم که در جای خالی باید از یک فعل نهی استفاده کنیم که مربوط به صیغه «مفرد مؤنث مخاطب» باشد؛ یعنی «لَا تَكْتُبِي». خوب است بدانیم که فعل‌های امر و یا نهی در این صیغه همواره آخرش «ی» دارد.

۵- عَلِيٌّ وَ أَحْمَدُ إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ. (يَذْهَبَانِ - سَيَذْهَبَانِ): علی و احمد در هفته آینده به ساحل دریا خواهند رفت.

پ سَيَذْهَبَانِ ابا توجه به قید زمان آینده (الأسبوع القادم: هفته آینده) باید از فعلی استفاده کنیم که بر مستقبل (آینده) دلالت داشته باشد. هم‌چنین می‌دانیم که با آوردن دو حرف «سَ» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع، فعل مضارع تبدیل به «مستقبل» می‌شود و این یعنی «سَيَذْهَبَانِ».

۲ شیوه ترجمه جمله: در زمینه ترجمه جمله باید بتوانید با توجه به واژه‌هایی که تاکنون آموخته‌اید، آیات، احادیث، عبارات و متن‌های عربی را واژه‌به‌واژه ترجمه کنید و سپس به فارسی روان برگردانید و سعی کنید فعل عبارت را تشخیص دهید و پس از ترجمه دقیق فعل، آن را در انتهای جمله قرار دهید. (زیرا در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد.) با دانستن واژه‌های مترادف (هم‌معنی) و متضاد، می‌توانید جمله‌های جدید بسازید و دایره لغات خود را افزایش دهید.

علاوه بر آن، از اطلاعات عمومی و دانش تاریخ، جغرافی، فیزیک، ریاضی و ... استفاده کنید تا اگر جمله و گزاره‌ای به زبان عربی بیان شده است، بتوانید با توجه به واقعیت و عدم واقعیت آن، درستی یا نادرستی آن را تشخیص دهید.

بخش ۲. واژگان

فعل

أَنْزَلَ: نازل کرد	زَانَ: زینت داد	قُلَّ: بگو
أَوْجَدَ: پدید آورد	شَقَّ: شکافت	نَمَتْ: رشد کرد (مؤنث «نما»)
جَهَّزَ: مجهز کرد	صَيَّرَ: گردانید	يَخْرِجُ: درمی‌آورد

اسم

إِغْبِرَار: تیره‌رنگی، غبارآلودگی	ذَا: این (= هَذَا)	عُصُون: شاخه‌ها «مفرد: عُصْن»
أَنْجَم: ستارگان «مفرد: نَجْم، نَجْمَةٌ»	ذات ...: دارای ... (مؤنث «ذو»)	عَيْم: ابر
أَنْعَم: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	ذَلِكَ: آن (= ذَلِكَ)	مُسْتَعِرَة: فروزان
بَالِغ: کامل	ذو ...: دارای ... (مذکر «ذات»)	مُفْتَكِرَة: اندیشمند
جَذْوَة: پاره آتش	شَرَرَة: آخگر (پاره آتش)	مُنْهَمِرَة: ریزان
خَضِرَة: سرسبز	ضِيَاء: روشنایی	نَضِرَة: تر و تازه
دُرَر: مرواریدها «مفرد: دُر»		

واژگان جوار و تمارین

فعل

أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم	صَغ: بگذار
----------------------------	------------

اسم

تَعَارُف: آشنایی با یکدیگر	مَطَار: فرودگاه
قَاعَة: سالن	مُسْتَعِيناً بِ: با استفاده از

نکته: «أَنْ» که حرفی است که اگر پس از آن فعل مضارعی بیاید، آن فعل مضارع به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود، مانند:

يَذْهَبُ: می‌رود + أَنْ يَذْهَبُ: که برود
مضارع اخباری مضارع التزامی

مترادف

أَنْظُرْ (نگاه کن) = شَاهِدْ (نگاه کن)	أَلْعَدَاوَة (دشمنی) = أَلْعَدَاوَة (دشمنی)
صَغ (قرار بده، بگذار) = اجْعَلْ (قرار بده، بگذار)	نَصِيرَة (تَر و تازه) = طَارِجَة (تازه)
بَالِغ (کامل) = كَامِل، تَام (کامل)	ضِيَاء (روشنایی) = نور (روشنایی)
مُجْتَهِد (تلاشگر) = مُجِدِّد (تلاشگر)	أَلْغَيْم (ابر) = أَلْسَحَاب (ابر)
نَاجِح (موفق) = فَائِز (موفق)	صَارَتْ (شد) = أَصْبَحَتْ (شد)
جَوَّ (فضاء) = فَضَاء (فضاء)	عَيْن (چشمه) = يَنْبُوع (چشمه)
صَبَاحَ الْخَيْر (صبح به خیر) = صَبَاحُ الْتَّوَر ((در پاسخ) صبح به خیر)	عَيْن (مشخص کن) = مَيِّز (مشخص کن)
الْخَدِيث (سخن) = الْكَلَام (سخن)	حَمْد (ستودن، سپاس‌گزاری کردن) = شُكْر (سپاس‌گزاری کردن)
ذَات ... (دارای ...) = ذُو ... (دارای ...)	كَمَّل (تکمیل کن، کامل کن) = أَكْمِل (کامل کن)
جَذْوَة (پاره آتش) = شَرَوَة (پاره آتش)	الْثَّمَرَة (میوه) = الْفَاكِهَة (میوه)
أَنْجَم (ستارگان) = كَوَاكِب، نُجُوم (ستارگان)	أَوْجَد (پدید آورد) = خَلَقَ، أَحْدَثَ (آفرید، پدید آورد)
الْمَرْء (آدمی، انسان) = الْإِنْسَان (آدمی، انسان)	نَام (خوابید) = رَقَدَ (خوابید)
أَنْعَم (نعمت‌ها) = نِعَم (نعمت‌ها)	بَصَر (چشم) = عَيْن (چشم)
مُسْتَعْرَة (فروزان) = مُسْتَعْلَة (فروزان)	زَانَ (زینت داد) = زَيَّنَ (زینت داد)
جَهَّزَ (مجّه‌ز کرد) = أَعَدَّ (مجّه‌ز کرد، آماده کرد)	مُنْهَمِرَة (ریزان) = مُتَساقِطَة (ریزان)

متضاد

يُخْرِجْ (درمی‌آورد) = يَدْخُلْ (وارد می‌کند)	أَنْزَلَ (نازل کرد، فرو فرستاد) = رَفَعَ (بالا برد)
آمَنُوا (ایمان آوردند) = كَفَرُوا (کُفر ورزیدند)	تَعِيشْ (زندگی می‌کنی) = تَمُوتْ (می‌میری)
زَرَعَ (کاشت) = حَصَدَ (درو کرد)	قَلِيل (کم) = كَثِير (زیاد)
الْأَبْيَض (سفید) = الْأَسْوَد (سیاه)	مَذْكَر (نر) = مُؤَنَّث (ماده)
يَنْفَع (سود می‌رساند) = يَضُرُّ (زیان می‌رساند)	أَسْئَلَة (پرسش‌ها) = أَجْوَبَة (پاسخ‌ها)
صِدْق (راستی) = كِذْب (دروغ)	بَالِغ (کامل) = نَاقِص (ناقص)
مَشْرُور (شاد) = حَزِين (غمگین)	شِرَاء (خریدن) = بَيْع (فروختن)
جَمِيل (زیبا) = قَبِيح (زشت)	قَرِيب (نزدیک) = بَعِيد (دور)
ضَبَاح (صبح) = مَسَاء (عصر، شب)	الْعِلْم (دانش، دانایی) = الْجَهْل (نادانی)
نِصْف (نیم، نیمه) = تَمَام (کامل، تمام)	يَنْزِلُ (پایین می‌آید) = يَصْعَدُ (بالا می‌رود)
لا (نه) = نَعَم (بله)	الْأَرْض (زمین) = السَّمَاء (آسمان)
الْلَّيْل (شب) = النَّهَار (روز)	الْأَرَاذِل (فرومایگان) = الْأَفَاضِل (شایستگان)
الدُّنْيَا (دنیا) = الْآخِرَة (آخرت)	الْغَالِيَة (گران) = الْرَخِيصَة (ارزان)
أَلْعَدَاوَة (دشمنی) = الصَّدَاقَة (دوستی)	الْأَسَائِيَة (زنانه) = الْرَجَالِيَة (مردانه)
عَدَا (فردا) = أَمْسِي (دیروز)	عَفْواً (بخشید) = مَغْذَرَة (بخشید)
خَرَاة (گرما) = بُرودة (سرما)	نَاجِح (قبول) = رَاسِب (مردود)
مُقْتَدِرَة (توانا) = ضَعِيفَة (ناتوان)	بِدَايَة (آغاز) = نِهَايَة (پایان)
مَسْمُوح (مجاز) = مَمْنُوع (ممنوع، غیرمجاز)	الظَّالِم (ستمگر) = الْأَعْدَال (دادگر)
يَمِين (راست) = يَسَار (چپ)	مُنْفَصِلَة (جداشده) = مُتَّصِلَة (متصل، به هم پیوسته)
النَّار (آتش) = الْمَاء (آب)	أَوَّل (اول) = آخِر (آخر)
كَثَرَة (فراوانی) = قِلَة (کمی)	

نوجه: فایده یادگیری مترادف و متضاد واژگان این است که دایره لغات ما افزایش می‌یابد و می‌توانیم با به کارگیری مترادف و متضاد، جمله‌های جدید دیگری نیز بسازیم.

جمع مکسر

عُصُون ← مفرد (شاخه)	أَرَاذِل ← مفرد (فرومایه، فرومایه‌تر)	تَرَکِيب ← مفرد (ترکیب)
أَنْعَم ← مفرد (نعمت)	أَفْضَل ← مفرد (شایسته، برتر)	أَعْدَاء ← مفرد (دشمن)
أَنْجُم ← مفرد (نجم، نجمه ستاره)	أَحْجَار ← مفرد (سنگ)	جِبَال ← مفرد (کوه)
دُرَر ← مفرد (دُر مروارید)	مَلَابِيس ← مفرد (لباس)	عَقَارِب ← مفرد (عقربه)
تَمَارِين ← مفرد (تمرین تمرین)	أَلْوَان ← مفرد (رنگ)	
أَحَادِث ← مفرد (حدیث سخن)	جُمَل ← مفرد (جمله)	

بخش ۳. ترجمه درس

متن درس و ترجمه واژه‌به‌واژه و ترجمه روان آن

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ «الأنعام: ۱»
ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را قرار داد.

ذَلِكَ	هُوَ	اللَّهُ
آن	او	خداست
«آن، همان خداست.»		

أَنْظُرُ: فعل امر / تَلَكْ: «اسم اشاره»
به دور - مفرد مؤنث / «ذات»
«تِلْكَ»، «الشَّجَرَةُ» و «النَّصْرَةُ»: مؤنث
«الْعُصُونِ النَّصْرَةُ»: ترکیب وصفی

كَيْفَ: کلمه استفهامی (پرسشی)
«نَمَتْ» و «صَارَتْ»: فعل ماضی /
حَبَّة: مؤنث

«إِنْبَحَثْ» و «قُلْ»: فعل امر / يُخْرِجُ:
فعل مضارع /
مَنْ: «چه کسی» کلمه استفهامی /
ذَا: «اسم اشاره» / الثَّمَرَةُ: مؤنث

«الَّتِي»، «جَذْوَةٌ» و «مُسْتَعْرَه»:
مؤنث / «الشَّمْسُ» با وجود این که
علامت «ة»
ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود.

حَرَاةٌ مُنْتَشِرَةٌ: ترکیب وصفی
«حَرَاةٌ» و «مُنْتَشِرَةٌ»: مؤنث

مَنْ: کلمه استفهامی (پرسشی)
أَوْجَدَ: فعل ماضی
الشَّرَرَةُ: مؤنث

أَنْظُرْ	لِتِلْكَ	الشَّجَرَه	ذَاتِ	الْعُصُونِ	النَّصْرَه
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌های	تازه
به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.					

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّة	وَكَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و چگونه	گردید	درخت
چگونه از دانه‌ای رشد کرده و چگونه درخت شده است؟						

فَابْحَثْ	وَقُلْ مَنْ	ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَه
پس جست‌وجو کن	و بگو چه کسی است	این کسی که	بیرون می‌آورد	از آن	میوه
آن‌گاه جست‌وجو کن و اِبا خود [بگو: این کیست که از آن (درخت)، میوه بیرون می‌آورد؟					

وَانْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَذْوَتُهَا	مُسْتَعْرَه
و بنگر	به	خورشیدی	که	پاره آتش آن	فروزان است
و بنگر به خورشیدی که پاره آتش آن (شعله‌اش) فروزان است.					

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَو	بِهَا	حَرَاةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و	با آن	حرارتی	پراکنده است
در آن (خورشید) روشنایی [و نور] است و به وسیله آن حرارت و گرمایی پراکنده است.					

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَه
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در فضا	همانند	پاره آتش
این کیست که آن را در فضا مانند پاره آتش پدید آورده است؟						

ذالك: «اسم اشاره»
أَنْعَمْتُ: تركيب اضافي («أَنْعَمْتُ» + «هـ»)

واژه‌های «بَالِغَةٍ» و «مُقْتَدِرَةٍ» صفت هستند.
«حِكْمَةً»، «بَالِغَةً»، «قُدْرَةً» و «مُقْتَدِرَةً»: مؤنث

أَوْجَدَ: فعل ماضی
«اللَّيْلُ» و «قَمَرٌ»: مذکر

زَانَ: فعل ماضی
«الذَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ»: ترکیب وصفی

الغَيْمِ: مذکر
أَنْزَلَ: فعل ماضی
مَطَرٌ: مذکر

صَبَّرَ: فعل ماضی / «أَرْضٌ»: با وجود این که علامت «ة - ة» ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود.
إِغْبَارًا: مذکر / حَضِرَةً: مؤنث / فَ: پس، سپس، آن گاه، بعد از آن

شَقَّ: فعل ماضی
الْمَرْءُ: مذکر / بَصَرَ: مذکر
مَنْ: کلمه استفهامی (پرسشی)

جَهَّزَ: فعل ماضی
«قُوَّةٌ مُفْتَكِرَةٌ»: ترکیب وصفی
«قُوَّةٌ» و «مُفْتَكِرَةٌ»: مؤنث

ذالك: اسم اشاره به دور، مفرد مذکر (= ذَلِكْ)
أَنْعَمْتُ: ترکیب اضافی
مُنْهَمِرَةً: مؤنث

ذَالِكْ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمْتُ	مُنْهَمِرَةً
آن	او (همان)	خدایی است	که	نعمت هایش	ریزان است

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش [پیوسته] ریزان است.

ذو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَةٍ
دارای	حکمتی	کامل	و	نیروی	توانا، پرتوان

[او که] دارای دانایی کامل و نیروی پرتوان است.

أَنْظُرُ	إِلَى	اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَهُ
بنگر	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه را

[آن گاه] به شب بنگر، پس چه کسی در آن ماه را پدید آورده است؟

وَ	زَانَهُ	بِأَنْجُمٍ	كَالذَّرِّ	الْمُنْتَشِرَةِ
و	آراست آن را	با ستارگانی	مانند مرواریدهای	پراکنده

و آن را (شب را) با ستارگانی همانند مرواریدهای پراکنده آراست.

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَهُ
و بنگر	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد (فروفرستاد)	از آن	باران را

و به ابر بنگر، پس چه کسی از آن باران فرو فرستاد؟

فَصَبَّرَ	الْأَرْضَ	بِهِ	بَعْدَ	إِغْبَارٍ	حَضِرَهُ
پس گردانید	زمین را	به وسیله آن	پس از	غبارآلودگی	سرسبز

سپس زمین را پس از غبارآلودگی به وسیله آن سرسبز (باطراوت) گردانید.

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الْمَرْءِ	وَقُلْ	مَنْ	شَقَّ	فِيهِ	بَصَرَهُ
و بنگر	به	آدمی، انسان	و بگو	چه کسی	شکافت (ایجاد کرد)	در او	چشم را

و به انسان بنگر و [با خود] بگو: چه کسی در [چهره] او چشم ایجاد کرد؟

مَنْ	ذَا	الَّذِي	جَهَّزَهُ	بِقُوَّةٍ	مُفْتَكِرَةٍ
کیست	این	کسی که	مجهز کرده او را	به نیروی	اندیشمند

این کیست که او را به نیروی اندیشمند (نیروی اندیشه و خردورزی) مجهز کرده است؟

ذَالِكْ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمْتُ	مُنْهَمِرَةً
آن	او	خدایی [است]	که	نعمت‌هایش	ریزان [است]

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش [پیوسته] ریزان است.

نکاتی درباره قواعد در متن

- حرف «ه» در آخر بیشتر مصرع‌های دوم ابیات، علامت مؤنث (ة) است که به دلیل «ضرورت شعری» نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قَمَرٌ، مَطَرٌ، بَصَرٌ» علامت مؤنث بودن نیست و تنها به خاطر «ضرورت شعری» آمده است!
- اگر اسمی مذکر باشد، ضمیر آن نیز مذکر می‌آید و اگر مؤنث باشد، ضمیر آن مؤنث می‌آید، مانند «هو» و «هـ» که در بیت‌های ۱۳ و ۱۵، به اسم مذکر «الله و المرء» بازمی‌گردند و نیز ضمیر «ها» که در بیت‌های ۳ و ۴، به اسم مؤنث «الشَّجَرَةُ و الشَّمْسُ» بازمی‌گردد.

۱- این ابیات که در مورد خداشناسی است، به نظم و شگفتی‌های آفرینش (درخت، خورشید، شب، ماه، ستارگان، ابر، باران، زیبایی و چهره انسان) اشاره می‌کند و شاعر آن «معروف رُصافی» است که دارای آثار فراوانی به نظم و نثر می‌باشد. وی عراقی است و از پدر گُرد و مادر ترکمن زاده شده است.

جَوَّازُ (التَّعَازُفُ): گفت‌وگو (آشنایی با یکدیگر)

زائر مَرَقَدُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ	أَخَذَ الْمُوظَّفَيْنِ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
زائر آرامگاه (قبر) امیرمؤمنان علی	یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
سلام بر شما.	و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.
صَبَاحُ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحُ النُّورِ وَ السُّرُورِ.
صبح به خیر ای برادر.	صبح به خیر و خوشی.
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟
حالت چه طوره؟	خوبم، شما چه طوری؟
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
خوبم، شکر خدا.	ببخشید، اهل کجایی؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
من اهل جمهوری اسلامی ایرانم.	اسم شریف شما چیه؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ.
نام من حسین و نام شریف شما چیه؟	اسم من عبدالرحمانه.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟	لَا، مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ.
آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟	نه، متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.
اگر خدا بخواد به ایران سفر می‌کنی!	ان شاءالله: به امید دیدار، به سلامت.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.
خداحافظ.	در پناه خدا، ای دوست من.



بخش ۴: تمرین

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ: كَمَلْ تَرْجَمَةُ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ الثَّلَاثَةِ. (تمرین اول: ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن.)

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

«الصف: ۲»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
 ب ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که / آمَنُوا: ایمان آوردید / لِمَ (ل + ما «پرسشی»): چرا / تَقُولُونَ: می‌گویید / ما: آن چه را / لَا تَفْعَلُونَ: انجام نمی‌دهید

«المؤمنون: ۵۱»

۲- «وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

و کار نیکو
 ب «و کار نیکو را انجام دهید، زیرا من به آن چه که انجام می‌دهید، دانا (آگاه) هستم.»

وَاَعْمَلُوا: و انجام دهید / صَالِحًا: (کار) نیک / إِنِّي: زیرا من / بِمَا: به آن چه که / تَعْمَلُونَ: انجام می‌دهید / عَلِيمٌ: دانا، آگاه

«الأعراف: ۴۷»

۳- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

پروردگارا،
 ب «پروردگارا، ما را با قوم ستمگر قرار نده.»

رَبَّنَا: پروردگارا، ای پروردگار ما / لَا تَجْعَلْنَا: ما را قرار نده / مَعَ: با، همراه / الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: قوم ستمگر

۴- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به بسیاری و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن بلکه به و امانتداری آن‌ها
 ب «به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن ننگرید، بلکه به راستگویی و امانتداری آن‌ها ننگرید.»

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

لَا تَنْظُرُوا: ننگرید / إِلَى: به / كَثْرَةُ: بسیاری / صَلَاتِهِمْ: نمازشان / صَوْمِهِمْ: روزه‌شان / وَلَكِنْ: ولی، (در این آیه) بلکه / انظُرُوا: ننگرید /

صِدْقِ الْحَدِيثِ: راستگویی / آدَاءِ الْأَمَانَةِ: به‌جاآوردن امانت، امانت‌داری

۵- «إِرحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ».

به کسی که در زمین است زیرا طلبِ دانش

پا «به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.»

إِرحَمَ: رحم کن / مَنْ: کسی که / فِي الْأَرْضِ: در زمین / يَرْحَمُ: رحم کند / فِي السَّمَاءِ: در آسمان

۶- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالضَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را طلب کنید گرچه زیرا طلبِ دانش

پا «دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد، زیرا طلبِ دانش واجب [دینی] است.»

أَطْلِبُوا: طلب کنید / وَلَوْ: گرچه / بِالضَّيْنِ: در چین / فَإِنَّ: زیرا / طَلَبَ الْعِلْمِ: طلبِ دانش / فَرِيضَةٌ: واجب [دینی] است

التَّحْرِيمُ الثَّانِي: اقْرَأُوا الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ. (تمرین دوم: احادیث زیر را بخوان، سپس ترجمه درست آن را مشخص کن.)

۱- «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»

برای (✓) دنیایت (□) دنیا چنان کار کن گویی همیشه (✓) زندگی می کنی (□) لذت می بری و برای آخرت چنان کار کن گویی (✓) فردا می میری

(□) نزدیک است بمیری.

اعْمَلْ: کار کن / دُنْيَاكَ: دنیایت / تَعِيشُ: زندگی می کنی / آخِرَتِكَ: آخرت / كَأَنَّ: گویی / تَمُوتُ غَدًا: فردا می میری

۲- «نَنْظُرْ إِلَى مَا قَالُوا لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ»

به آنچه گفته است (✓) بنگر (□) می نگرم و به آن که گفته است (✓) ننگر (□) نمی نگرم.

نَنْظُرْ: بنگر / مَا: آنچه / لَا تَنْظُرْ: ننگر / مَنْ: آن که

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ»

هرگاه فرومایگان «فرومایه ترها» (✓) به فرمانروایی برسند (□) گرامی شوند؛ شایستگان «برترها» هلاک می شوند.

مَلَكَ: به فرمانروایی برسند (رسیدند) / الْأَرَادِلُ: فرومایگان / الْأَفْاضِلُ: شایستگان / هَلَكَ: هلاک می شوند (شدند)

توجه: بعد از کلماتی، مانند «إِذَا، إِنْ و ...» بهتر است دو فعل بعد از آن را به ترتیب به صورت «مضارع التزامی» و «مضارع اخباری» ترجمه کرد: «به

فرمانروایی برسند ... هلاک می شوند»

۴- «مَنْ زَرَعَ الْغَدْوَانَ خَصَدَ الْخُسْرَانَ»

هرکس (✓) دشمنی (□) دوستی کاشت، (✓) زیان (□) سود درو کرد.

الغَدْوَان: دشمنی / الخُسْرَان: خسارت، زیان

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ»

سخن مانند داروست؛ اندکش (✓) سود می رساند (□) شفا می دهد و بسیارش گشنده است.

الكَلَام: سخن / كَ: مانند / قَلِيلُهُ: اندکش / يَنْفَعُ: سود می رساند / كَثِيرُهُ: بسیارش / قَاتِلٌ: گشنده

۶- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هرگاه بر (✓) دشمنت قادر شدی (□) دشمنت را شکست دادی، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او (□) قرار می دهی (✓) قرار بده.

إِذَا: هرگاه / قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ: بر دشمنت قادر شدی / فَاجْعَلْ: قرار بده / الْعَفْوَ عَنْهُ: بخشیدن او را / شُكْرًا: شکرانه / لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ: قدرت یافتن بر او

۷- قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» يَضِفُ الْعِلْمَ.

گفتن (□) می دانم (✓) نمی دانم، نیمی از دانش است

قَوْلٌ: گفتن / لَا أَعْلَمُ: نمی دانم / يَضِفُ الْعِلْمَ: نیمی از دانش

التَّحْرِيمُ الثَّالِثُ: صَغُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ» (تمرین سوم: عدد مناسب را در دایره بگذار). (یک کلمه اضافی است.)

۱- الشَّرَرَةُ ۷ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

زبانۀ آتش / پاره ای جدانشده از آتش فروزان است.

۲- الشَّمْسُ ۲ جَدَوْتُهَا مُسْتَعِرَّةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا خَرَاةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

خورشید / پاره آتش آن فروزان است، در آن روشنی و نور است و به وسیله آن، گرمایی پراکنده است.

۳- الْقَمَرُ ۳ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.

ماه / سیاره ای (ستاره ای) است که به دور زمین می چرخد و نورش از خورشید است.

۴- الْأَنْعَمُ ۵ يُخَازِ مُتَرَاكِمٍ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

نعمت ها

۵- الْأَنْعِيمُ ۶ مِنَ الْمَلَائِكَةِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

ابر / بخاری به هم فشرده در آسمان است که از آن باران می بارد.

۶- آلفستان

۱- قِطْعَةً مُنْفَصِلَةً عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعْرَةِ.

پیراهن زنانه / از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های گوناگون است.

۷- آلدز

مرواریدها / از سنگ‌های زیبای گران دارای رنگ سفید است.

التمرین الرابع: صُغْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (تمرین چهارم: این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در مکان مناسب خود بگذار.)

هُوَلَاءِ فَائِزَاتٍ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَّةٌ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُوَلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ

۱- مفرد مؤنث	۲- مثنای مذکر	۳- مثنای مؤنث	۴- جمع مذکر سالم	۵- جمع مؤنث سالم	۶- جمع مکسر
.....					

۱- مفرد مؤنث ← تِلْكَ بَطَّارِيَّةٌ: آن، باطری است. ← هَذَانِ الدَّلِيلَانِ: این دو راهنما

۲- مثنای مؤنث ← هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ: این دو شیشه ← أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ: آن شایستگان

۳- جمع مؤنث سالم ← هُوَلَاءِ فَائِزَاتٍ: این‌ها، برنده هستند. ← هُوَلَاءِ الْأَعْدَاءُ: این دشمنان

نوجه: اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید و اسم اشاره، مثنی یا جمع باشد، اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود، مانند شماره‌های ۲، ۳، ۴ و ۶، ولی اگر بعد از اسم اشاره «ال» نیاید، اسم اشاره اگر مفرد باشد، مفرد، و اگر مثنی باشد، مثنی، و اگر جمع باشد، جمع ترجمه می‌شود؛ مثال: هَذَا كِتَابٌ. این، کتاب است. هُوَلَاءِ مُعَلِّمَاتٌ. این‌ها، معلم هستند.

التمرین الخامس: صُغِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (=، ≠) (تمرین پنجم: مترادف‌ها و متضادها را در مکان مناسب خود بگذار.)

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قريب / جميل / نهاية / يمين / غالبية / شراء / مسموح / مُجَد

۱- رَحِيصَةٌ ≠	۵- رَاسِبٌ ≠	۹- يَسَارٌ ≠
۲- بَنِعٌ ≠	۶- بَدَايَةٌ ≠	۱۰- بَعِيدٌ ≠
۳- رَقْدٌ =	۷- قَبِيحٌ ≠	۱۱- نَوْرٌ =
۴- حَزِينٌ ≠	۸- مُجْتَهِدٌ =	۱۲- مَمْنُوعٌ ≠

۱- رَحِيصَةٌ (ارزان) ≠ غَالِيَةٌ (گران) ← ۲- بَنِعٌ (فروش، فروختن) ≠ شُرَاءُ (خرید، خریدن)

۳- رَقْدٌ (خوابید) = نَامٌ (خوابید) ← ۴- حَزِينٌ (ناراحت) ≠ مَسْرُورٌ (شاد)

۵- رَاسِبٌ (مردود) ≠ نَاجِحٌ (موفق، قبول) ← ۶- بَدَايَةٌ (آغاز) ≠ نِهَایَةُ (پایان)

۷- قَبِيحٌ (زشت) ≠ جَمِيلٌ (زیبا) ← ۸- مُجْتَهِدٌ (کوشا) = مُجَدٌ (کوشا)

۹- يَسَارٌ (چپ) ≠ يَمِينٌ (راست) ← ۱۰- بَعِيدٌ (دور) ≠ قَرِيبٌ (نزدیک)

۱۱- نَوْرٌ (روشنایی) = ضِیَاءٌ (روشنایی) ← ۱۲- مَمْنُوعٌ (غیرمجاز) ≠ مَسْمُوحٌ (مجاز)

التمرین السادس: أَرَسِّمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.)



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ



۳- یک ربع مانده به شش



۲- هشت و نیم



۱- پنج و ربع

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارْسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی پیرامون بزرگی آفریده‌های خداوند بگرد، سپس با استفاده از لغت‌نامه‌ای عربی - فارسی، آن را به فارسی ترجمه کن.

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگار! این را بیهوده نیافریده‌ای.»

❖ جِبَالٌ کَبِيرَ کُوه فِي مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام: کُوه‌های «کبیر کُوه» در شهر بَدْره در استان ایلام

❖ شَاطِئُ کُوشْکُنَار فِي مُحَافَظَةِ هُرْمُزْجَان: ساحل «کوشْکُنار» در استان هرمزگان

❖ عَيْنُ رَامِيَان فِي مُحَافَظَةِ غُلِسْتَان: چشمه «رامیان» در استان گلستان

❖ وَادِي دِلْفَارُذ فِي مُحَافَظَةِ کِرْمَان: دَرّه «دِلْفارذ» در استان کرمان

؟ سَوَالَاتِ امْتِحَانِي (پاسخ در صفحه ۱۴۹)

سَوَال‌های ترجمه‌محور

■ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.

۱ - ضَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ اغْبِرَارِ خَضِرَةٍ.

(نهایی فرداد ۱۳۰۲)

۲ - رَأَيْتُهُمْ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ أَمْسٍ وَ فِي أَيْدِيهِمْ عُصُونٌ مِنَ الْأَزْهَارِ.

۳

۵ - مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ

۵

۸ - ذُو حِكْمَةٍ بِالْغِيَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ (بِرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۸

۷ - كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرِهِ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ (بِرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷

۱۲ - أَوْجَدَ اللَّهُ الشَّمْسَ فِي الْفَضَاءِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ.

۱۲

۱۴ - تَرَجَمْتُ هَذِهِ النُّصُوصَ مُسْتَعِينًا بِالْمُعْجَمِ.

۱۴

۴ - أَنْظِرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ

۴

۶ - وَ أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ

۶

۹ - ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَنَّهُمَرَهُ

۹

۱۰ - جَذْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعِرَةٌ جِدًّا.

۱۰

۱۱ - عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ).

۱۱

۱۳ - الْمَرْءُ - عَدَا - نَامٌ - غَيْمٌ - رَقَدَ - أَمْسَى

۱۵ - = - ۱۶ - = - ۱۷ - = - ۱۸ - = - ۱۹ - = - ۲۰ - =

ناجِحٌ - شَرَرَةٌ - أَنْعَمَ - جَذْوَةٌ - نَعَمٌ - رَاسِبٌ

خَلَقَ - أَوْجَدَ - نَزَلَ - رَفَعَ - وَجَدَ - أَنْزَلَ

■ عَيْنِ الْمُتَرَادِفَاتِ أَوْ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۲۱ - اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدَا.

۲۲ - إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

۲۳ - اَلْكَلامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

۲۴ - هَذَا الرَّجُلُ بَصَرُهُ كَعَيْنِ الْعُقَابِ فِي رُؤْيَا الْأَجْسَامِ.

■ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى. (= عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى):

❑ ذَنْبٌ

❑ كَلْبٌ

❑ أَسَدٌ

۲۵ - ❑ ذُبُّ

❑ غَالِيَةٌ

❑ سَفِينَةٌ

❑ طَائِرَةٌ

۲۶ - ❑ حَافِلَةٌ

❑ الْجَذْوَةُ

❑ الشَّرَرَةُ

❑ الشَّجَرَةُ

۲۷ - ❑ الشَّمْسُ

۲۸- نَصْرَة

۲۹- بَلَد

۳۰- حَبَّة

شَرَرَة

شَهْر

سَمَكَة

جَذْوَة

مَدِينَة

غُضْن

مُسْتَعِرَة

مُحَافَظَة

شَجَرَة (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

■ اَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ أَوْ جَمْعَهَا.

۳۱- عُصُون ←

۳۴- نَجْم ←

۳۷- أَنْعَم ←

۳۲- أَرْدَل ←

۳۵- أَفَاضِل ←

۳۸- أَخْجَار ←

۳۳- دُزْر ←

۳۶- مَلَابِس ←

۳۹- عَدُو ←

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

۴۰- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

۴۱- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

۴۲- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةً

۴۳- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

۴۴- وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْنَهَا مُسْتَعِرَةً

۴۵- وَ أَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلِّ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ

۴۶- كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

۴۷- وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ

۴۸- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

۴۹- وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

۵۰- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

۵۱- أَنْظُرْ لِنَبَاتِكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ

۵۲- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

۵۳- ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

۵۴- فَصَيِّرِ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبَارٍ خَضِرَةٍ

۵۵- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

۵۶- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدُونَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ.

۵۷- نَزَلَ مَطَرٌ كَثِيرٌ أَمْسَى فَصَارَتْ أَوْرَاقُ الْأَشْجَارِ الْجَمِيلَةِ خَضِرَةً.

۵۸- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾

۵۹- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

۶۰- الدُّرُّ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

۶۱- ﴿... إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

۶۲- إِزْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.

۶۳- أَحِبْ أَنْ أَسَافِرَ إِلَى مَدِينَةِ شِيرَازِ الْجَمِيلَةِ.

۶۴- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْأَشْجَارَ نَمَتْ مِنْ حَبَاتٍ صَغِيرَةٍ؟

■ اكْمِلِ الْفَرَاغَ فِي تَرْجَمَةِ الْعِبَارَاتِ.

۶۵- مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ:

هر کس بکارد، زیان

۶۶- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّغِيرِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ:

دانش را طلب کنید گرچه؛ زیرا طلب دانش

۶۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

۶۸- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

و برای من یاد نیکو در

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(نوبت شهریور ۱۴۰۲)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پروردگارا!

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷۰- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.

به بسیاری و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن، بلکه به و امانتداری آن‌ها

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷۱- إِزَحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.

به کسی که در زمین است

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷۲- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.

«هرگاه به فرمانروایی برسند، هلاک می‌شوند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷۳- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ

این کیست که او را به نیروی اندیشه

۷۴- فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَارِ خَضِرِهِ

پس زمین را پس از گردانید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۷۵- أَنَا لَا أَنْظُرُ إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ أَبَدًا.

من هرگز به نمازشان و روزه‌شان

۷۶- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ يَفْتُلُ.

سخن مانند داروست، اندکش و بسیاریش

۷۷- اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدَاً.

برای چنان کار کن گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن گویی می‌میری.

۷۸- الْجَهَالُ يَزْعَوْنَ الْغُدُونَ فِي قُلُوبِ الْآخَرِينَ فَيَحْصِدُونَ الْخُسْرَانَ.

نادان‌ها دشمنی را در دل‌های دیگران و درو می‌کنند.

■ **إِنْ تَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.**

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

۷۹- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.

☐ الف) گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است.

☐ ب) گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۸۰- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ.

☐ الف) به بسیاری نمازشان نگاه نمی‌کنید.

☐ ب) به بسیاری نمازشان نگاه نکنید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۸۱- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.

☐ الف) هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

☐ ب) هرگاه فرد فرومایه مالک چیزی شود، افراد شایسته کشته خواهند شد.

۸۲- لَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ قَالَ، بَلْ أَنْظُرُوا إِلَى مَا قَالَ.

☐ الف) به کسی که گفته است نگاه نکنید، بلکه به چیزی که گفته است نگاه کنید.

☐ ب) به چیزی که گفته است نگاه نکنید، بلکه به کسی که گفته است نگاه کنید.

۸۳- نَحْنُ نَحْصُدُ الْخُسْرَانَ، عِنْدَمَا نَزْرَعُ الْغُدُونَ.

☐ الف) ما در حالی که زبان می‌کاریم، دشمنی درو خواهیم کرد.

☐ ب) ما هنگامی که دشمنی بکاریم، زبان درو می‌کنیم.

■ **إِنْ تَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.**

۸۴- طَلَبَ الْمُعَلِّمُ مِنْهُمْ الْخُضُورَ فِي الْخَفَلَةِ.

☐ جشن

☐ مسابقه

☐ حیاط

۸۵- هِيَ طَلَبَتْ أَنَّ الْخَمَامَةَ تُسَجَّعَهَا عَلَى الْخُرُوجِ.

☐ فهمید

☐ تشویق کرد

☐ گمان کرد

۸۶- يُدْرَسُ الْأَسَاطِيرُ فِي الْجَامِعَةِ وَتَخْرُجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.

☐ تصمیم می‌گیرد

☐ درس می‌خواند

☐ فارغ‌التحصیل می‌شود

۸۷- اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا جِسْرًا لِيُغْبِرَ السَّيَّارَاتُ.

☐ پلی

☐ انباری

☐ ساختمانی

ترجم الأفعال التي تحتها خطٌ.

- ۸۸- كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَيَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً.....
 ۸۹- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ.....
 ۹۰- أَجِبْ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِيْرَانِ.....
 ۹۱- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.....
 ۹۲- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّبْرِ.....
 ۹۳- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ.....
 ۹۴- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.....
 ۹۵- زَمِيلَتِي كَانَتْ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.....
 ۹۶- الْأَفْضَلُ لَا يَطْلُمُونَ أَحَدًا.....
 ۹۷- ادْخُلِي صَفَّكَ سَرِيعًا.....
 ۹۸- سَاطَرْتُ بِابِ الْمَنْزِلِ بَعْدَ قَلِيلٍ.....
 ۹۹- الطَّالِبَةُ فَتَحَتْ نَافِذَةَ الصَّفِّ.....
 ۱۰۰- بَحَثْتُ عَنِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ وَرَاءَ ذَلِكَ الْغَيْمِ.....

عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

- ۱۰۱- اِزْرَعْ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عَدَاوَةً.....
 ۱۰۲- مَا أَكَلَ الْقَطَوْرَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ.....
 ۱۰۳- سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نُقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً.....
 ۱۰۴- الْقَمَرُ كَوْنَتْ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.....
 ۱۰۵- ضَغَّ نَقْطَةً نِهَائَةً هَذِهِ الْجُمْلَةِ.....
 ۱۰۶- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.....
 ۱۰۷- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.....
 ۱۰۸- ... وَ لَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.....
 ۱۰۹- لَا تَذْهَبِي الْيَوْمَ إِلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ.....
 ۱۱۰- هَلْ سَافَرْتَ إِلَى مَدِينَةِ مَشْهَدِ الْمُقَدَّسَةِ حَتَّى الْآنَ؟.....

عَيِّنْ صِيغَةَ الْأَفْعَالِ.

- ۱۱۱- يُخْرِجُونَ:
 ۱۱۲- كَانُوا يَنْزِلُونَ:
 ۱۱۳- مَا أَوْجَدْتُمْ:
 ۱۱۴- لَا تَذْهَبِينَ:
 ۱۱۵- لَا تَسْتَرْجِعْ:
 ۱۱۶- سَيَزْرَعُنَّ:
 ۱۱۷- قُلْ:
 ۱۱۸- سَوْفَ أَدْخُلُ:
 ۱۱۹- اِغْمَلُوا:
 ۱۲۰- لَا تَخْرُجِي:
 ۱۲۱- نُسَافِرُ:
 ۱۲۲- نَمَتْ:
 ۱۲۳- صَارَتْ:
 ۱۲۴- اِنْحَثْ:
 ۱۲۵- أَنْظُرْ:
 ۱۲۶- أَوْجَدَ:

عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَابِسُ الْأَفْعَالَ الْآخَرَى فِي النَّوعِ. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

- | | | | |
|----------------------|-----------------|-----------------|----------------|
| ۱۲۷- لَا تُغَيِّرُوا | لا نَحْفِزُ | لا أَشَاهِدُ | لا تَقْرَبَانِ |
| ۱۲۸- اِضْعَدِي | أَزْقُدُ | أَلْعَبُ | اِلْبَسُوا |
| ۱۲۹- تَهَيَّرْنَ | تَعَجَّبُوا | نُقَسِّمُ | يَطْرُقَانِ |
| ۱۳۰- مَا جَاءَ | لَا يَكْتُبْنَ | لَا نَعْلَمُ | لَا أَبْحَثُ |
| ۱۳۱- اِبْحَثْ | أَبْحَثُ | نَبْحَثُ | تَبْحَثِينَ |
| ۱۳۲- لَا تَفْتَحِي | لَا تَذْهَبِينَ | لَا تَكْتُبُونَ | لَا أَزْجِعُ |

(نهایی فرورد ۱۳۰۲)

(نهایی شهریور ۱۳۰۲)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)



عَبِّنْ صَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ.

أَنَا	أَنْتَ	أَشْجَعُ: ١٣٣-
هُنَّ	نَحْنُ	سَنَأْكُلُ: ١٣٤-
هُوَ	هُمْ	كَانَتْ تَذْهَبُ: ١٣٥-
أَنْتُنَّ	أَنْتُمْ	مَا فَهَمْتُنَّ: ١٣٦-
هُمَا	هُنَّ	يَسْتَلِمُنَّ: ١٣٧-
هُنَّ	أَنْتُنَّ	لَا يَكْذِبُنَّ: ١٣٨-
أَنْتِ	أَنَا	إِزْرَعِي: ١٣٩-

صُغْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهَا.

إِسْمَانِ - آخِرِينَ - مُرَاجَعَةً - تَلْمِيزَاتٍ - ضِيَاءٍ - أَنْعَمَ - ظُلُمَاتٍ - صَالِحَانِ - فَرِيقَتَيْنِ - أَنْجَمَ - حَبَّةً - إِبْرَارٍ

١٤٠- مفرد مذكّر:	١٤١- مفرد مؤنث:
١٤٢- مثنى مذكّر:	١٤٣- مثنى مؤنث:
١٤٤- جمع مذكّر سالم:	١٤٥- جمع مؤنث سالم:
١٤٦- جمع مكسّر:	

أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ خَرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١٤٧- كَاتِبٍ، مَكْتُوبَةٍ، كِتَابٍ، مَكَاتِبٍ:	١٤٨- حَدِيثٍ، أَحَادِيثٍ، مُحَدَّثَةٍ، مُحَدَّثَاتٍ:
١٤٩- فَتَّاحٍ، فَاتِحَةٍ، مَفْتُوحٍ، إِفْتِتَاحٍ:	١٥٠- قَادِرٍ، مُقْتَدِرٍ، إِفْتِدَارٍ، تَقْدِيرٍ:
١٥١- أَعْمَالٍ، عَامِلٍ، إِسْتِعْمَالٍ، مَعْمُولٍ:	١٥٢- إِصْلَاحٍ، صُلَاحٍ، مَضْلَحَةٍ، صُلْحٍ:

سؤال های فهم و درک مطلب

صُغْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ.

١٥٣- أَلْبَطَارِيَّةٌ مَحْزَنٌ فِي السَّيَّارَةِ.	البِئْرُ	النَّافِذَةُ	الكَهْرَبَاءُ
١٥٤- أُمٌّ صَدِيقِي فِي الْمُسْتَشْفَى.	رَاقِدَةٌ	مُمْرَضٌ	حَفْلَةٌ
١٥٥- هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعُدُ مِنَ النَّارِ.	الْحَطَبُ	الدُّخَانُ	الدَّارُ
١٥٦- ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ.	عَطْشَانٌ	غَضْبَانٌ	حُسْرَانٌ
١٥٧- الْفَسَاتِينُ مِنَ الْمَلَابِسِ الَّتِي تَرْتَدِيهَا	الرَّجَالُ	الْأَطْفَالُ	النِّسَاءُ
١٥٨- حَجَرَ جَمِيلٌ ذُو لَوْنٍ أَبْيَضٍ.	الذَّهَبُ	الدُّرُّ	الْفِصَّةُ
١٥٩- مِصْبَاحٌ وَ زِينَةٌ فِي سَمَاءِ اللَّيْلِ.	النَّهَارُ	الغَيْمُ	النَّجْمُ

عَبِّنِ الْعِبَارَةَ الصَّحِيحَةَ وَ عَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

١٦٠- اللَّهُ هُوَ الَّذِي يُخْرِجُ الثَّمَرَةَ مِنَ الشَّجَرَةِ.	١٦١- نَحْنُ هَذِهِ السَّنَةُ نَدْرُسُ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ.
١٦٢- الدُّرُّ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَصْفَرِ.	١٦٣- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ وَ ضِيَاؤُهُ لَيْسَ مِنَ الشَّمْسِ.
١٦٤- الْجَذْوَةُ قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعْرَةِ.	١٦٥- كُلُّ الْأَشْجَارِ تُغَطِّنَانِ ثَمَرَةً.

صُغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ اثْنَتَانِ زَائِدَتَانِ».

الف

١٦٦- أَلْطَلَابُ	فُدْرَةُ عَرَضِي الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَ الْأَلْوَانِ.
١٦٧- أَلْجَامِعَةُ	مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
١٦٨- أَلْبِكَاءُ	شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ.
١٦٩- أَلرَّسْمُ	جَزَيَانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْخُزْنِ أَوْ الْوَجَعِ.
١٧٠- أَلْمُتَحَفُ	صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْخَلِيبِ وَ الْفَاكِهَةِ.
١٧١- أَلدَّلِيلُ	مَرْكَزٌ لِلتَّلْعِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ.
١٧٢- أَلتَّعْوِيضُ	
١٧٣- أَلطَّارِجُ	

۱۷۴- الشَّمْسُ

۱۷۵- الْأَنْعَمُ

۱۷۶- الْغَيْمُ

۱۷۷- الْفَسَاتِينُ

۱۷۸- الْقَمَرُ

۱۷۹- الدَّرُّ

۱۸۰- الشَّرْرَةُ

■ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

۱۸۱- كَيْفَ حَالُكَ؟

۱۸۳- هَلْ أَنْتَ إِيرَانِيَّةٌ؟

۱۸۵- مَا هُوَ لَوْنُ السَّمَاءِ؟

۱۸۷- مَا هُوَ لَوْنُ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ عَادَةً؟

■ رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤْلاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً.

اسمُكَ - حُسَيْنٌ - الْكَرِيمُ - مَا - اِسْمِي

۱۸۸- السُّؤَالُ:

۱۸۹- الْجَوَابُ:

سَافَرْتُ - نَعَمْ - الْآنَ - سَافَرْتُ - حَتَّى - هَلْ - شِيرَاز - إِلَى

۱۹۰- السُّؤَالُ:

۱۹۱- الْجَوَابُ:

أَنَا - كَيْفَ - بِخَيْرٍ - حَالُكَ - صَدِيقِي - يَا - كَيْفَ

۱۹۲- السُّؤَالُ:

۱۹۳- الْجَوَابُ:

■ اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِي، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً، ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْخَيَوانَاتِ وَ بَيْعِهَا لِخَدِيقَةِ الْخَيَوانَاتِ. وَقَعَ ثَعْلَبٌ وَ غَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةِ بَغْتَةً فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْخَيَوانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ.

۱۹۴- مَنْ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ؟

۱۹۵- لِمَاذَا هَرَبَتِ الْخَيَوانَاتُ؟

۱۹۶- كَمْ صَيَّاداً جَاءَ؟

۱۹۷- مَاذَا سَتَرَ الصَّيَّادُونَ؟

۱۹۸- عَيَّنْ فِي النَّصِّ أَسْمَاءً تَكُونُ لِلْجَمْعِ؟

● بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ وَ الثَّلْجُ.

● لَوْنُهُ أَبْيَضٌ وَ هُوَ مِنَ الْأَحْجَارِ الْغَالِيَةِ كَالذَّهَبِ.

● جَدُّوْثُهَا مُسْتَعِرَّةٌ، وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

● مِنَ الْمَلَايِسِ الَّتِي تَرْتَدِيهَا النَّسَاءُ.

● قِطْعَةٌ انْفَضَلَتْ عَنِ النَّارِ الْمُشْتَعِلَةِ.

(پُرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(پُرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(پُرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(پُرگرفته از امتحانات مدارس کشور)

پاسخ نامہ





درس اول: ذاك هُو الله

کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.

۱. غبارآلودگی / زمین را به وسیله آن پس از غبارآلودگی (تیرگی) سرسبز گردانید.
 ۲. فرودگاه
 ۳. شاخه‌ها / آنان را دیروز در سالن فرودگاه دیدم، در حالی که در دستانشان شاخه‌هایی از گل [ها] بود.
 ۴. تر و تازه / به آن درخت نگاه کن که دارای شاخه‌های تر و تازه است.
 ۵. اندیشمند / این کیست که او را به نیرویی اندیشمند (نیروی اندیشه) مجهز کرده است؟
 ۶. فروزان / و به خورشیدی بنگر که پاره آتش آن فروزان است.
 ۷. کامل
 ۸. توانمند / دارای حکمتی کامل و نیرویی توانمند است.
 ۹. ستارگان / و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت بخشید.
 ۱۰. نعمت‌ها
 ۱۱. ریزان / آن (او) همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.
 ۱۲. اخگر (پاره آتش) / خدا خورشید را در فضا مانند پاره آتش پدید آورد.
 ۱۳. پاره آتش / پاره آتش خورشید، بسیار فروزان است.
 ۱۴. با استفاده از / این متن‌ها را با استفاده از واژه‌نامه ترجمه کردم.
- متضاد و مترادف را مشخص کن. (دو کلمه، اضافی است.)**

انسان - فردا - خوابید - ابر - خوابید - دیروز

۱۵. نام = زَقَد (خوابید)

۱۶. عَدَا (فردا) = اَمْسِ (دیروز)

قبول (موفق) - پاره آتش - نعمت‌ها - پاره آتش - بله - مردود

۱۷. سَرَزَة = جَذْوَة (پاره آتش)

۱۸. نَاجِح (قبول، موفق) = رَاسِب (مردود)

آفرید - پدید آورد (آفرید) - پایین آمد - بالا بُرد - یافت - پایین آورد

۱۹. خَلَقَ = أَوْجَدَ (آفرید، پدید آورد)

۲۰. زَفَعَ (بالا بُرد) = أَنْزَلَ (پایین آورد، نازل کرد)

مترادف‌ها یا متضادها را در عبارت‌های زیر مشخص کن.

۲۱. دنیا (دنیا) = آخِرَة (آخرت) / تَعِيش (زندگی می‌کنی) = تَمُوت (می‌میری)
- ترجمه عبارت: برای دنیابت چنان عمل کن که گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان عمل کن که گویی فردا می‌میری.
۲۲. الْأَرَاذِل (فرومایگان) = الْأَفْاضِل (شایستگان)
- ترجمه عبارت: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.
۲۳. قَلِيل (کم) = کَثِير (بسیار)
- ترجمه عبارت: سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیارش گشنده است.
۲۴. بَصَر = عَيْن (چشم)
- ترجمه عبارت: این مرد، چشمش در دیدن اجسام، مانند چشم عقاب است.
- (منظور این است که بسیار تیزبین است.)

کلمه‌ای را که در معنا با کلمات دیگر تناسب ندارد، مشخص کن.

کلمه ناهماهنگ در معنا را مشخص کن.

۲۵. گرس / شیر ☐ سگ ☐ گناه ☒
۲۶. اتوبوس ☐ هواپیما ☐ کشتی ☐ گران ☒

۲۷. خورشید ☐ درخت ☒ پاره آتش ☐ پاره آتش ☐
۲۸. تر و تازه ☒ پاره آتش ☐ پاره آتش ☐ فروزان ☐
۲۹. شهر، کشور ☒ ماه ☐ شهر ☐ اُستان ☐
۳۰. دانه ☐ ماهی ☒ شاخه ☐ درخت ☐

مفرد واژگان یا جمع آن‌ها را بنویس.

۳۱. غُصُون ← غُصْن (شاخه) مفرد

۳۲. أَرَاذِل ← أَرَاذِل (فرومایگان، فرومایه‌ترها) جمع

۳۳. دُور ← دُور (مروارید) مفرد

۳۴. نَجْم ← نَجْم (ستارگان) جمع

۳۵. أَفْضَل ← أَفْضَل (شایسته، برتر) مفرد

۳۶. مَلَبَس ← مَلَبَس (لباس) مفرد

۳۷. أَنْعَم ← أَنْعَم (نعمت) مفرد

۳۸. أَحْجَار ← أَحْجَار (سنگ) مفرد

۳۹. عَدُو ← عَدُو (دشمنان) جمع

آیات و عبارت‌ها را به فارسی ترجمه کن.

۴۰. «ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.»
۴۱. «و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا! این را بیهوده نیافریده‌ای.»
۴۲. این کیست که او را به نیرویی اندیشمند (نیروی اندیشه و خردورزی) مجهز کرده است؟
۴۳. آن (او) همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۴۴. و به خورشیدی بنگر که پاره آتش آن (شعله‌اش) فروزان است.
۴۵. و به انسان بنگر و [با خود] بگو: چه کسی در [چهره] او چشم آفرید؟
۴۶. چگونه از یک دانه رشد کرد و چگونه [یک] درخت شد؟
۴۷. و آن (شب) را با ستارگانی همانند مرواریدهای پراکنده زینت بخشید.
۴۸. به شب نگاه کن؛ پس چه کسی در آن ماه را پدید آورده است؟
۴۹. و به ابر بنگر؛ پس چه کسی از آن باران فروفرستاد؟
۵۰. این کیست که آن را در فضا مانند پاره آتش پدید آورده است؟
۵۱. به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.
۵۲. آن‌گاه جست‌وجو کن و [با خود] بگو: این کیست که از آن (درخت)، میوه بیرون می‌آورد؟
۵۳. دارای حکمتی کامل و نیرویی توانا است.
۵۴. سپس زمین را پس از غبارآلودگی، سرسبز (با طراوت) گردانید.
۵۵. «پروردگارا (ای پروردگار ما)! ما را با گروه ستمکار قرار نده.»
۵۶. نادان، دشمنی را می‌کازد و زبان درو می‌کند.
۵۷. دیروز باران فراوانی بارید و برگ‌های زیبای درختان سرسبز شد.
۵۸. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا آن‌چه را انجام نمی‌دهید، می‌گویید؟»
۵۹. هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.
۶۰. مرواریدها از سنگ‌های زیبای گرانبهایی دارای رنگ سفید هستند.
۶۱. «... زیرا من به آن‌چه انجام می‌دهید، دانا (آگاه) هستم.»
۶۲. به کسی در زمین است، رحم کن تا کسی که در آسمان است، به تو رحم کند.
۶۳. دوست دارم که به شهر زیبای شیراز سفر کنم.
۶۴. آیا می‌دانی که این درختان از دانه‌های کوچکی رشد کرده‌اند؟



مشاوره شب امتحان

دانش‌آموزان گرامی! سلام

پیش از آن که به نمونه سؤالات نوبت اول پاسخ دهید، نکات زیر را در ذهن داشته باشید تا بدانید که قرار است با چه نوع امتحانی روبه‌رو شوید، مثل کشتی‌گیری که باید از قبل، حریف خودش و نقاط ضعف و قوت او را بشناسد و در مقابل او خود را تقویت کند تا فن درست را به کار برد!

۱ امتحان پایانی نوبت اول شامل درس‌های اول تا چهارم می‌شود و سؤال‌های امتحانی این چهار درس مربوط به پنج موضوع جداگانه است:

الف واژه‌شناسی

ب ترجمه جملات فارسی

ج دانستن قواعد و نکات دستوری

د درک و فهم مطالب

ه مکالمه در حد جملات ساده و کاربردی

۲ صورت سؤالات به زبان عربی است و از دانش‌آموز (با یک فعل) می‌خواهد که چه کار کند.

به عنوان مثال: تَرْجِم، تَرْجِمِي (ترجمه کن) // عَيِّن، عَيِّنِي (مشخص کن) // صَحِّح، صَحِّحِي (تصحیح کن) // أَكْمِلْ، أَكْمِلِي (کامل کن) // أَكْتُبْ، أَكْتُبِي (بنویس) و ... بر این اساس لازم است صورت آزمون‌های پایانی نوبت اول را مرور کنید تا بتوانید تشخیص دهید که مقصود سؤال چیست، چراکه اگر سؤال را خوب درک نکنید، بدیهی است که پاسخ شما هم اشتباه خواهد شد.

۳ پس از این که به سؤالات پاسخ دادید حتماً یک بار دیگر سؤالات را بخوانید و ببینید جواب شما درست بوده و احیاناً چیزی از قلم نیفتاده باشد، چراکه ممکن است پاسخی که به سؤالات داده‌اید عجولانه بوده و فکر می‌کردید درست است، ولی با نگاه دوباره به پاسخ‌هایتان آن‌ها را اصلاح خواهید کرد.

۴ همان‌طور که گفته شد، سؤال‌ها به پنج بخش **الف** مهارت واژه‌شناسی (۲/۵ نمره)، **ب** مهارت ترجمه به فارسی (۴/۵ نمره)، **ج** مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)، **د** مهارت درک و فهم (۲ نمره)، **ه** مهارت مکالمه (۱/۵ نمره)، تقسیم می‌شود.

بررسی سؤالات ترجمه با شکل‌های گوناگون

۱- أَكْتُبْ تَرْجَمَةَ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ. (ترجمه کلمه‌ای را که زیر آن خط کشیده شده، بنویس.)

فقط واژه مشخص‌شده را باید ترجمه کنید.

۲- عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ. (مترادف و متضاد را مشخص کن.)

در این سؤال باید مترادف (به عربی) و متضاد (به عربی) را بنویسید.

۳- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى. (کلمه‌ای را که در معنا با کلمات دیگر هماهنگی ندارد، مشخص کن.)

۴- أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَتَيْنِ أَوْ جَمْعَهُمَا. (مفرد دو کلمه یا جمعشان را بنویس.)

در این سؤال، دو کلمه می‌دهند که معمولاً یکی از آن‌ها مفرد است و باید جمعش را بنویسید و دیگری جمع است و باید مفرد آن را بنویسید.

۵- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ الْمَأْلُوفَةِ. (عبارت‌ها را به فارسی روان ترجمه کن.)

ابتدا باید واژه‌ها را تحت‌اللفظی در ذهن ترجمه کنید و سپس با ساختار و جمله‌بندی زبان فارسی، آن را روان ترجمه کنید و فعل را در آخر بیاورید.

۶- أَكْمِلِ التَّرْجَمَةَ. (ترجمه را کامل کن.)

باید توجه کنید که چه کلماتی از جمله، ترجمه شده و چه کلماتی ترجمه نشده است. واژه‌های ترجمه‌شده را با خودکار یا مداد خط بزنید و ببینید چه کلماتی ترجمه نشده، آن‌ها را در جای خالی بنویسید.

۷- اِنتْخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. (ترجمه درست را انتخاب کن.)

در این نوع سؤال‌ها به ترجمه فعل‌ها، ضمیرها، اسم‌های جمع و اسم‌های اشاره توجه کنید و از راه رد گزینه نادرست می‌توانید گزینه درست را انتخاب کنید.

۸- اِفْرَأِ النَّصَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. (متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.)

ابتدا سؤال‌های بعد از متن را بخوانید و خوب سؤال‌ها را ترجمه کنید و ببینید مفهوم سؤال چیست و به ترجمه کلمات پرسشی دقت کنید:

أَيْنَ (کجا)، مَتَى (چه وقت)، كَيْفَ (چگونه)، أ (آیا)، هَلْ (آیا)، مَا (چه)، مَنْ (چه کسی)، مَاذَا (چه چیز)، لِمَاذَا (برای چه)، لِمَ (برای چه)، مَا هُوَ (چیست)، مَا هِيَ (چیست)، كَمَ (چند)، أَيْ (کدام)

بعد از این که مفهوم سؤال را فهمیدید، بروید به سراغ متن و پاسخ سؤال را در متن پیدا کنید و بنویسید. هنگام پاسخ‌دادن به سؤال‌ها سعی کنید ضمیر و فعل را از نظر صیغه (غایب، مخاطب و متکلم) درست بنویسید؛ مثلاً اگر سؤال‌کننده در مورد غایب سؤال کند، در جواب غایب می‌آید، اگر در مورد متکلم سؤال کند، در جواب مخاطب می‌آید و اگر در مورد مخاطب سؤال کند، متکلم می‌آید. مثال: (آیا او ... بله / آیا من ... بله / آیا تو ... بله / من ...)

۱- تَرْجَمَ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (فعل‌هایی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.)

در این نوع از سؤالات باید فعل‌های مشخص‌شده براساس «زمان» و «صیغه» آن‌ها و براساس قواعد ترجمه فعل، به فارسی ترجمه شوند.

۲- أَكْتُبُ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ وَادْكُرْ صِيغَتَهَا. (نوع فعل‌هایی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است؛ بنویس، و صیغه آن‌ها را بیان کن).

تفاوت نوع فعل‌ها (ماضی، مضارع، امر، نهی، مستقبل) با توجه به پیشوند فعل‌ها مشخص می‌شود و صیغه فعل‌ها با توجه به پسوندها و ضمیرهای آن مشخص می‌شود.

۳- عَيْنَ الْفَعْلِ الْلاَزِمَ وَ الْمُتَعَدِّي. (فعل لازم و متعدی را مشخص کن.)

تشخیص فعل لازم و متعدی بیشتر به معنای فعل بستگی دارد؛ یعنی معمولاً اگر به سؤال «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را؟» پاسخ بدهد، متعدی است و

اگر پاسخ ندهد، لازم است، و از نظر ظاهر و لفظ کلمه اگر از باب «افعال» و «تفعیل» باشد، فعل متعدی است و اگر از باب «انفعال» باشد، فعل لازم است.

۴- صَغَ فِي الْفَرَاغِ فَعَلًا مُنَاسِبًا. (در جای خالی فعل مناسبی قرار بده).

در این گونه سؤال‌ها باید به هماهنگی جای خالی با کلمه قبل از آن، از نظر تعداد (مفرد با مفرد، جمع با جمع، مثنی با مثنی، مذکر با مذکر، مؤنث با مؤنث) توجه داشت.

مؤنث) و جنسیت (مذکر و مؤنث) توجه کنید.

۵- عَيْنِ الْعَدَدِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ. (عدد صحیح را برای جای خالی مشخص کن.)

در سؤال‌های «عدد و محدود» باید به نوع عدد که آیا اصلی است یا ترتیبی (وصفی) دقت کنید.

عدد وصفی معمولاً به همراه «ال» و بر وزن «الفاعل» و «الفاعلة» می‌آید و ابتدا معدود و بعد عدد می‌آید. در عدد اصلی باید تشخیص داد که عدد ۱ و ۲

است یا ۳ تا ۱۰، چراکه معدود ۱ و ۲ به صورت صفت می آید و معدود ۳ تا ۱۰ به صورت جمع می آید.

۶- ضَعُ فِي الْفَرَاغِ ضَمِيرًا مُنَاسِبًا. (ضمیر مناسبی را در جای خالی قرار بده).

باید توجه کرد که همراه ۱۴ صیغه فعل‌ها، ۱۴ ضمیر منفصل (هُوَ - هُما - هُم ...) که نقش مبتدا دارند و نیز ۱۴ ضمیر متصل (هُ - هُما - هُم ...) وجود

دارند که برای فعل متعدی پیش از آن‌ها نقش مفعول دارند. همچنین ضمیرهای منفصل، ارتباط و هماهنگی‌شان با فعل‌ها با توجه به پسوندهای فعل است.

٧- أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

سه حرف (ف، ع، ل) معیار و ترازوی شناخت حروف اصلی و زائد است؛ حروفی که روبه‌روی این سه حرف قرار نمی‌گیرد، حروف زائد هستند.

۸- صَغُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. (در دایره، عدد مناسب را قرار بده).

در این نوع سؤال‌ها باید معنای واژگان را به خوبی بدانید تا بتواند واژه‌ها را به توضیحات مناسب آن وصل کنید.

۹- عَيْنُ الْفَاعِلِ وَ نَائِبُ الْفَاعِلِ وَ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا: (فاعل و نایب فاعل را مشخص کن و اعراب آن‌ها را بیان کن.)

ابتدا باید فعل معلوم که فاعل می‌خواهد و فعل مجهول که نایب فاعل می‌خواهد را تشخیص دهیم و بعد به دنبال فاعل و نایب فاعل باشیم و بدانیم که

اعراب هر دو مرفوع است که با علامت / ُ / َوْنَ در جمع مذکر سالم / «ان» در اسم مثنیٰ مشخص می‌شوند.

۱۰- عَيْنِ الْاسْمِ الْمَجْرُورِ وَادْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ. (اسم مجرور را مشخص کن و علامت جر آن را بیان کن.)

باید بدانید که اسم در سه حالت مجرور می‌شود:

۱ مضاف‌الیه باشد. ۲ پیش از آن حرف جر «فی، علی، مِن، عَنْ و ...» باشد. ۳ صفت برای اسم مجرور پیش از خود باشد.

علامت‌های جر عبارت است از: ـِ، ـَ، ـِ، ی / (در مثنوی) / ی (در جمع مذکر سالم)

۱۱- عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ وَ الْمَبْنِيَّةِ فِي الْعِبَارَةِ. (کلمات معرب و مبنی را در عبارت مشخص کن).

در این جا باید کلمات مبنی را بشناسید و اگر کلمه‌ای مبنی نباشد، معرب است.

۱۲- عَيْنِ الصَّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا. (صفت و مضاف‌الیه را مشخص کن، سپس اعراب آن‌ها را بیان کن.)

صفت از نظر اعراب تابع اعراب موصوف (اسم پیش از آن) است و مضاف‌الیه همواره مجرور است.

۱۳- عَيْنُ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ وَ الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ فِي الْعِبَارَاتِ. (فاعل، مفعول، مبتدا و خبر را در عبارتها مشخص کن.)

در این گونه سؤالات باید جمله فعلیه و اسمیه را تشخیص دهید و به ارکان اصلی آن، یعنی «فاعل» و «مفعول» در «جمله فعلیه» و «مبتدا» و «خبر» در

«جمله اسمیه» توجه کنید و یادتان باشد که فاعل مرفوع و مفعول منصوب است و مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند.

۱۴- أَعْرَبَ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةَ وَ أَذْكَرَ عِلَامَةَ إِعْرَابِهَا. (کلمات مشخص‌شده را ترکیب کن (نقشش را مشخص کن) و علامت اعراب آن‌ها را بیان کن).

در جمله‌هایی که نقش کلمات را از ما می‌خواهد باید جایگاه آن کلمه را با توجه به کلمات پیش از آن مشخص کنیم. به عنوان مثال، اگر شروع جمله با فعل باشد،

حتماً «فاعل» آن را پیدا کنیم و اگر فعل متعدی باشد، علاوه بر «فاعل»، «مفعول» آن را مشخص کنیم و اگر جمله اسمیه باشد «مبتدا» و «خبر» را مشخص کنیم.

۱۵- اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى وَالْقَوَاعِدِ. (كلمه مناسبی را براساس معنا و قواعد در جای خالی بنویس.)

در این نوع سؤال‌ها حتماً باید به نقش کلمات پیش از جای خالی توجه کنید؛ به عنوان مثال:

❖ اگر حرف جرّ پیش از جای خالی باشد، در جای خالی باید اسم مجرور بیاید.

🔴 اگر پیش از جای خالی مبتدا (مرفوع) باشد، در جای خالی معمولاً باید خبر (مرفوع) بیاید.

اگر پیش از جای خالی موصوف باشد، در جای خالی باید صفت بیاید.

❖ اگر پیش از جای خالی فعل بیاید، در جای خالی باید فاعل (مرفوع) بیاید.

🔴 اگر پیش از جای خالی فعل متعدی و فاعل بیاید، در جای خالی معمولاً باید مفعول (منصوب) بیاید.

۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (درست و نادرستی «عبارت‌ها» را براساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.)
در این نوع سؤال‌ها باید ترجمه دقیق سؤال‌ها را بدانید و براساس حقایق علمی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و ... تشخیص دهید که آیا جمله درست است یا نادرست.

۲- أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (کلمه مناسبی در جای خالی بنویس.)
در این نوع سؤال‌ها باید حتماً به قبل و بعد از جای خالی توجه کنید و اسم یا فعل مناسب را براساس آن‌ها انتخاب کنید. اگر فعل باشد، نوع و صیغه آن اهمیت دارد، اگر اسم باشد باید به مضاف و مضاف‌الیه بودن یا موصوف و صفت بودن آن توجه شود.

۳- اِنْتِخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. (کَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.) (کلمه مناسب را برای توضیحات زیر انتخاب کن.) (دو کلمه اضافی است.)
در این نوع از سؤال‌ها معمولاً در یک ردیف (مثلاً سمت راست) شش واژه می‌دهند و در ردیف دیگر چهار جمله می‌آید که هر یک مربوط به یکی از واژگان داده شده است.

۴- أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. (به سؤالات زیر پاسخ بده.)
در این نوع از سؤال‌ها معمولاً یک یا دو سؤال پرسیده می‌شود و ما باید با جواب کوتاهی به آن سؤالات پاسخ دهیم.

۵- رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا. (کلمات را مرتب کن و پرسش و پاسخ درستی بنویس.)
چند کلمه داده می‌شود که باید آن‌ها را مرتب کرده و جمله درستی بسازیم و یا سؤال و جواب درستی از آن‌ها درست کنیم.

۶- اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. (متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات پاسخ بده.)
در این سؤال معمولاً یک متن کوتاه داده می‌شود که معمولاً چهار سؤال پس از متن می‌آید و با توجه به مفهوم متن، باید به سؤالات آن به عربی پاسخ بدهیم.



آزمون‌های نیم‌سال اوّل دوم 9

ردیف	امتحان شماره ۱	رشته ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن ۱	نمره	
	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه	Kheilisabz.com	نمره	
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) هَذِهِ الظَّاهِرَةُ تُحَيِّرُ النَّاسَ. (ج) حَسَنًا؛ فَانظُرُوا إِلَى هَذِهِ الصُّورِ. (هـ) إِنَّ الشَّمْسَ جَذُوْتُهَا مُسْتَعِرَّةٌ. (ب) مَنْ يَدْعُو إِلَى التَّفَرِّقَةِ فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ. (د) الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَالْمَتَاجِفُ مِنَ الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.			۱/۲۵	
۲	عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ). مَمْنُوع - صَارَ - مَسْمُوح - أَصْبَحَ - عُرْفَةٌ - حَفَلَةٌ (الف) = (ب) ❌			۰/۵	
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: ☐ الأَحد ☐ العِشرين ☐ الخَميس ☐ الأربَعاء			۰/۲۵	
۴	اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَتَيْنِ أَوْ جَمْعَهُمَا: (الف) نَجْمٌ: (ب) ثُلُوجٌ:			۰/۵	
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ الْمَأْلُوفَةِ: (الف) ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ (ب) عِنْدِيذٍ سَمِعْتُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى النُّجَرَاتِ. (ج) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَسَرَاتٌ؟ (د) فَصَبِّرِ الْأَرْضَ بِهَ بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ. (هـ) يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ.	۱ ۱ ۱ ۱ ۱			
۶	إِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (الف) ﴿وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ﴾ ☐ (۱) «و از رحمت خدا ناامید نشدید.» ☐ (۲) «و از رحمت خداوند ناامید نشوید.» (ب) سَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ. ☐ (۱) مردم ابر سیاه بزرگی را به مدت چند ساعت مشاهده می کنند. ☐ (۲) مردم ابر سیاه بزرگی به مدت دو ساعت خواهند دید.			۰/۵	
۷	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْقَرْسَ قَادِرٌ عَلَى التَّوَمِّ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟ أَيَا مِي دَانِي كِه اِسَب اِيسْتَادِه رَوِي بَخَوَابِد؟ (ب) الْحِفَاطُ عَلَى الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ الْمَوَاطِنِينَ. از تأسیسات عمومی بر واجب است.	۱			
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) نَسْمَعُ صَوْتَ الْمَكَيِّفِ مِنْ بَعِيدٍ. (ج) الْقَائِدُ كَانَ يَقُولُ لَنَا هَذَا الْكَلَامَ. (ب) مَا أَنْزَلْتُ الْبِضَائِعَ. (د) اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	۱			
۹	إِنْتَخِبْ فِعْلًا مُنَاسِبًا لِلْفَرَاغِ: (الف) مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَارِ إِنَّ هُ نَفَعَكَ. (ب) الطُّلَابُ مِنَ الْجَامِعَةِ بَعْدَ انْتِهَاءِ دِرَاسَاتِهِمْ. (ج) أَيْهَا الطُّلَابُ، سَقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ. (د) يَا بَنَتِي الْعَزِيزَةَ، مَعَ الْأَشْرَارِ.	۲	☐ أَجْلَسْتُ ☐ جَالَسْتُ ☐ جَلَسْتُ ☐ يَخْرُجُ ☐ يَخْرُجُ ☐ يَتَخَرَّجُ ☐ شَاهِدُوا ☐ شَاهِدُوا ☐ شَاهِدْ ☐ لَا تُجَالِسِي ☐ لَا تُجَالِسْ ☐ لَا تُجَالِسْ		
۱۰	عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ: (الف) يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ. (ج) حَافِظُوا عَلَى الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ، أُيُّهَا الْأَوْلَادُ! (ب) أَعْلَقْتُ فَاطِمَةَ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ.			۰/۲۵	

نمونه امتحان نيم سال اول	رشته ادبيات و علوم انساني	عربي، زبان قرآن ١	خبره
ردیف	امتحان شماره ١	مدت امتحان: ١٢٠ دقيقه	Kheilisabz.com
١١	عَيَّنْ صِيغَةَ الْأَفْعَالِ: (الف) جَنَّتْ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى.	(ب) ﴿وَاغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾	٥/٠
١٢	(الف) اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ بِالْأَعْدَادِ: ١- سَبْعَةً فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةً وَ سَبْعِينَ. (ب) عَيَّنْ نَوْعَ الْعَدَدِ: (الْأَصْلِي - التَّرْتِيبِي) ١- الشَّهْرُ الثَّلَاثُ فِي السَّنَةِ الْإِبْرَانِيَّةِ هُوَ خُرْدَاد. ٣- قَرَأْتُ عِشْرِينَ مَقَالَةً.	٢- مِئَةً تَقْسِيمٌ عَلَى عِشْرِينَ يُسَاوِي خَمْسَةً. ٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ ٤- الدَّرْسُ السَّابِعُ لَيْسَ صَعْبًا.	١ ١
١٣	اُكْتُبِ السَّاعَةَ التَّالِيَةَ بِالْأَرْقَامِ: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ إِلَّا زُبْعًا:		٢٥/٠
١٤	صَّغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً: (الف) كَانَتَا تَنْصَحَانِ. (ب) أَكَلَتْ طَعَامًا لَذِيذًا. (ج) الطُّلَابُ يَدْرُسُونَ بِجِدٍّ.	☐ أَنْتُمْ ☐ أَنْتُمَا ☐ أَنْتَنِ ☐ هِيَ ☐ أَنْتِ ☐ أَنْتِ ☐ هَذَانِ ☐ هَاتَانِ ☐ هُولَاءِ	٧٥/٠
١٥	عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: أَنَا جَلَسْتُ عَلَى الْأَرْضِ وَ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا.		٢٥/٠
١٦	صَّغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً). (١) الصَّفْ (٢) عِنْدِي (٣) الْمَشْمِشُ (٤) الْمُوَاطِنُ (٥) أَخِيَانًا	☐ فَكَيْفَهُ لَذِيذَةً يَأْكُلُهَا النَّاسُ. ☐ مَنْ يَعِيشُ مَعَكَ فِي وَطَنِكَ. ☐ مَكَانٌ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. ☐ بِمَعْنَى «فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ».	١
١٧	عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (الف) الْغَيْمُ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (ج) خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.	(ب) الشَّمْسُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ، ضِيَاؤُهُ مِنَ الْقَمَرِ. (د) يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْغُدُوَانِ.	١
١٨	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ: (الف) كَمْ عُمْرُكَ؟ (ب) كَمْ عَدَدُ مُرَافِقِيكَ؟		٥/٠
١٩	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا: لِ - هَذِهِ - لِمَنْ - أُسْرَتِي - الْحَقِيقَةُ		١
٢٠	جمع نمرات		٢٠

۳- کَلَّ (تنوین دار) + مِنْ ← هر یک

مثال: کَلَّ مِنَ الْمَوَاطِنِ: هر یک از شهروندان

۸. فعل‌هایی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن:

الف نَسَمَعُ: می‌شنویم / صدای کولر را از دور می‌شنویم.

ب ما أَنْزَلْتُ: پایین نیاوردم / کالاها را پایین نیاوردم.

ج كَانَ يَقُولُ: می‌گفت / رهبر، این سخن را به ما می‌گفت.

توجه: ترکیب «كَانَ + فعل مضارع» معادل «ماضی استمراری» در زبان فارسی است.

د إِنْجَلُوا: قرار دهید، بگذارید / «گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید (بگذارید)».

۹. برای جای خالی فعل مناسبی انتخاب کن:

الف جَالَسْتُ: همنشینی کردی، همنشینی کنی

ترجمه عبارت: مَثَل (داستان) مؤمن، مانند مَثَل (داستان) عَطَّار است، اگر با او همنشینی کنی، به تو سود می‌رساند. (نشاندی - همنشینی کردی - نشست)

ب يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود (می‌شوند) / فارغ‌التحصیل می‌شوند

ترجمه عبارت: دانشجویان پس از پایان تحصیلاتشان، از دانشگاه دانش‌آموخته می‌شوند. / فارغ‌التحصیل می‌شوند. (خارج می‌شود / می‌شوند. - خارج می‌کند / می‌کنند - دانش‌آموخته می‌شود / می‌شوند)

ج شَاهِدُوا: مشاهده کنید، ببینید

ترجمه عبارت: ای دانش‌آموزان، افتادن ماهی‌ها از آسمان را ببینید. (دیدند - ببینید - ببین)

با توجه به معنای عبارت و نیز وجود «أَيُّهَا الطَّلَابُ» که گوینده آن‌ها را (دانش‌آموزان را) مورد خطاب قرار داده، متوجه می‌شویم که باید از فعل دوم شخص جمع (جمع مخاطب) استفاده کنیم؛ یعنی از صیغه «جمع مذکر مخاطب».

د لَا تُجَالِسِي: همنشینی نکن (نهی)

ترجمه عبارت: ای دختر عزیزم، با بدان (افراد بد) همنشینی نکن.

در این عبارت نیز مانند عبارت قبل، با توجه به معنای عبارت و نیز وجود «يَا بِنْتِي الْعَزِيزَةِ» که گوینده آن را (دختر عزیزش را) مورد خطاب قرار داده، متوجه می‌شویم که باید از فعل نهی «دوم شخص مفرد»، یعنی از صیغه «مفرد مؤنث مخاطب» استفاده کنیم.

۱۰. نوع فعل‌ها را مشخص کن:

توجه: منظور از «نوع فعل»، معمولاً زمان فعل است؛ یعنی «ماضی، مضارع، امر، نهی و ...».

الف يُؤَكِّدُ: مضارع ← [از باب تفعیل]

ترجمه عبارت: قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند (تأکید دارد).

ب أَغْلَقْتُ: ماضی ← [از باب إفعال]

ترجمه عبارت: فاطمه، شیر آب را بست.

ج حَافِظُوا: فعل امر ← [از باب مُفاعلة]

ترجمه عبارت: ای پسران (فرزندان)، از تأسیسات عمومی نگهداری (محافظت) کنید.

پاسخ‌نامه تشریحی امتحان شماره (۱)

۱. کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن:

الف الظَّاهِرَةُ: پدیده / این پدیده، مردم را حیران می‌کند.

ب عَمِلَ: مزدور / هر کس به تفرقه فراخواند، او مزدور دشمن است.

ج حَسَنًا: بسیار خوب / بسیار خوب، پس به این عکس‌ها (تصویرها) نگاه کنید.

د المَتَاجِف: موزه‌ها / تلفن‌های همگانی (عمومی) و موزه‌ها از تأسیسات عمومی هستند.

ه جَذْوَةٌ: پاره آتش / خورشید، پاره آتشش فروزان است.

۲. مترادف و متضاد را مشخص کن: (دو کلمه اضافی است).

غیرمجاز - شد - مجاز - شد - اتاق - جشن

الف صَارَ = أَصْبَحَ (شد، گردید)

ب مَمْنُوع (ممنوع، غیرمجاز) = مَسْمُوح (مجاز)

۳. کلمه‌ای را که در معنا با کلمات دیگر هماهنگی ندارد، مشخص کن:

العِشْرِينَ: بیستم / ☐ یکشنبه ☒ بیستم ☐ پنجشنبه ☐ چهارشنبه «العِشْرِينَ» از اعداد ترتیبی است، ولی سه واژه دیگر روزهای هفته می‌باشند.

۴. مفرد دو کلمه یا جمعشان را بنویس:

الف نَجْم جمع ← أَنْجُم (ستارگان)

ب ثُلُوج مفرد ← ثَلَج (برف، یخ)

۵. آیات و عبارتها را به فارسی روان ترجمه کن:

الف «خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و [بادها] ابری را برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می‌گستراند.»

ب در آن هنگام، صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنیدم.

ج آیا می‌دانی که هشتاد درصد از موجودات جهان، حشرات هستند؟

د در نتیجه (پس) زمین را پس از غبارآلودگی، سرسبز (باطراوت) گردانید.

ه اتحاد امت اسلامی در اشکال فراوانی جلوه‌گر می‌شود.

۶. ترجمه درست را انتخاب کن:

الف ۲ [زیرا «لَا تَيَأَسُوا» فعل نهی از صیغه «جمع مذکر مخاطب» است، نه ماضی از این صیغه!]

ب ۲ [زیرا اولاً: ترکیب «سَ + فعل مضارع» معادل «مستقبل» در زبان فارسی است. ثانیاً: «سَاعَتَيْنِ» مثنی است و به معنای «دو ساعت» است، نه «چند ساعت»!]

۷. جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن:

الف قَادِرٌ: قادر است، می‌تواند / أَقْدَامِهِ: پاهایش

ب الحِفَافُ: نگهداری / كَلَّ الْمَوَاطِنِ: همه شهروندان

نکته: واژه «كَلَّ» به سه صورت زیر در عبارت‌ها و ترکیب‌ها

به کار می‌رود:

۱- كَلَّ + اسم نکره (معمولاً «تنوین» دار) ← هر

مثال: كَلَّ مَوَاطِنٌ هر شهروندی، هر شهروند

۲- كَلَّ + اسم معرفه («ال» دار) ← همه

مثال: كَلَّ الْمَوَاطِنِ: همه شهروندان

جمع

مثال: كَلَّ الْعَالَمِ: همه جهان

مفرد